

# ماہنامہ اندیشہ نیک گفتار نیک کردار نیک زرشتیان

نشریہ مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

شماره: ۱۵ - بهار ۳۷۴۸ زرتشتی، ۱۳۸۹ اسلامی خورشیدی، ۲۰۱۰ ترسای



- گفتگو با مهربانو گودرز «میما» خواننده‌ی گروه «میمن»
- چهره «نوروز» در گوشه‌هایی از تاریخ ایران
- نوروز را Nowruz بنویسیم
- جنبش خرم دینان - بابک خرم دین

- پالایش زبان پارسی
- استادی خاموش، خاموش شد
- انوشیروان دادگر
- آرمان دین بهی

Photo By: Ardeshir

# نیایش نوشدن سال نو

## بنام اهورامزدا

اثنوی خوشبختی است و خوشبختی از آن کسی است که خواجهان خوشبختی و یکران باشد.  
تورای اهورامزدا می رسم که قانون اسارا نهادی،  
آبها و گیاهان و روشنائی آفریدی و جهان و همه چیز را نیک آفریدی،

می ستایم روان یلان و پهلوانان و مردان و زنان نیک اندیشی که با نیکی در برابر بدی با برمی خیزند.

می ستایم مردان و زنان نیک اندیش و جاودان را که همواره با منش پاک زندگی می کنند و همواره مودسان می باشند.

همان شود که آرزو کردیم شود که ما هم از پاکان و میکان باشیم.

بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم.

هم رود، به کشتیان و میکان و به بان بهفت کشور زمین زیم.

دیر زویم، درست زویم، ساز زویم، ساز زویم، ساز زویم، ساز زویم، ساز زویم، ساز زویم.

کیتی مان با در کامه تن، میومان با در کامه روان

بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم، بهار زویم.

# زرتشتیان



# ماهنامه

فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی

- بهار ۳۷۴۸ دینی زرتشتی، برابر ۱۳۸۹ اسلامی خورشیدی و برابر با ۲۰۱۰ ترسای
- شماره ۱۵، ۵ هزار تا
- زیر نگر: گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
- زمان انتشار: هم اکنون، هر سه ماه یک بار
- رایانه: رامین شهریاری
- طراحی و گرافیک: رکسانا کاوسی
- چاپ: LA WEB PRESS
- همکاران گروه انتشار: شهرزاد آش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرين اردیبهشتی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، موبد دکتر رستم وحیدی
- دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: مهر املسد، موبد کامران جمشیدی، هوشنگ مهرخداوندی، دکتر پرویز کوپایی، دکتر برزو نجمی، شهریار افشاری، اردشیر باغخانیان، رویا والتمن، خداداد خدابخشی، دکتر بهرام گرامی، دکتر علی اکبر جعفری، پرویز یگانگی، دکتر عباس بابک و دکتر خدایار دینیاری
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه نویسندگان نوشتار می پذیرد.
- نوشتارها می بایست با خط خوانا نوشته شده باشند.
- گروه انتشار در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شوند.
- نگر ها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رأی و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشند.

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

۷۱۴-۸۹۴-۹۵۷۷

فکس:

Email: info@czcjournal.org

تلفن و آدرس دفتر ماهنامه

## سفن تقدست

بار دیگر نوروز این پیر کهنسال از راه می رسد. نوروزی که در مقابل توفان های سهمگین زمان همچنان پایدار و استوار بر جای خود ایستاده است و سالیان درازی است که مردم ایران زمین آن را با شکوه و جلال برگزار می کنند.

نوروز شاید در سرزمین غربی که ما مهمان آن هستیم رنگ باخته باشد، رنگی که هنوز هم با وجود زرق و برق های فرهنگ بیگانه در جامعه ما خودنمایی می کند.

با گذشت زمان و نابودی نسل مهاجر که نوروز همچنان در وجودش ریشه گرفته است، این جشن کهن و دیگر مراسم فرهنگی مان به دست نسل آینده سپرده خواهند شد.

پرسش این است که آیا این نسل جوان تا چه اندازه میتواند نهبان و حافظ جشن های میهنی و دینی و فرهنگی مان باشد؟ شک نیست که خانواده این کوچکترین کانون اجتماعی نقش بزرگی در به ثمر رساندن این امر مهم دارد. شرکت در اجتماعات و فعالیت های مراکز دینی و فرهنگی تنها کمکی است به هموار کردن این راه دشوار و نباید تنها به آن بسنده کرد. برگزاری مراسم و جشنها توسط این مراکز بی شک نمیتواند جایگزین راهنماییها و پرورش های باشد که به دست پدران و مادران در خانواده انجام میگردد.

بیایید با دلی سرشار از عشق به فرهنگ و آیین مان جشن ها و مراسم فرهنگی و دینی مان را هرچه بهتر و باشکوه تر در خانه هایمان به نحوی که فرزندانمان هم در برگزاری آنها سهمی داشته باشند برگزار کنیم. بیایید با خرد و اندیشه نونهالان و جوانان مان را به شناخت و پایبندی به برگزاری مراسم و فرهنگ باستانی مان تشویق کنیم. بیایید با ارج نهادن و برتری دادن به این مراسم در خانه هایمان به فرزندان مان نشان دهیم تا چه اندازه در راه بقای فرهنگ مان کوشا هستیم و از آنها بخواهیم که راه ما را ادامه دهند.

حیات و بقای یک جامعه غنی و سالم لازمه داشتن یک فرهنگ پر بار است.

امید است که با کوشش پدران و مادران بشود که نسل جوان نگهدار فرهنگ پر بار کهن مان باشد و آنچه را که امروز دستخوش باد و طوفان است را به سلامت به کشتی نجات برساند.

به امید آرزو

با سپاس فراوان از دهشمندان و نیکوکاران

گرامی

انجمن دوستداران زرتشت

تراست روانشاد ارباب رستم گیو

دکتر داریوش جهانیان

که با مهر و گشاده دستی به این رسانه

پشوانه عی مالی داده اند.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست

می کند که نوشتارها، فرتورها (عکس) و

پیشنهادهای خود را به نشانی

cninfo@czcjournal.org

برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و

فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای

www.czcjournal.org

میتوانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را

بینید.

# چهره «نوروز» در گوشه هایی از تاریخ ایران

برگرفته از اهرداد

بسیاری از خود نشان داد. کاهش نیرو و رخنه ی تازیان و روی کار آمدن دولت های ایرانی و ایجاد حکومت های مستقل همچون صفاریان و سامانیان و دلبستگی پادشاهان ایرانی نژاد به اجرای آئین های ایرانی، سبب زنده شدن نوروز و برگزاری باشکوه این جشن شد. ابوالفضل بیهقی نیز در بخشهای گوناگون تاریخ خود اشاره هایی به دادن پیش کشی در نوروز و مهرگان کرده است که نشان دهنده ی برگزاری آئین های نوروزی در روزگار غزنویان است با روی کار آمدن حکومت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع، برخی از آداب اسلامی با آئین های نوروزی در آمیخت و تلاش دانشمندان ایرانی شیعه در گردآوری احادیث و روایت معصومین که در پیوند با نوروز بروفق بیشتر این جشن افزود.

دلبستگی ایرانیان به سنتهای گذشته خود شوند آن شد تا نوروز که نمادی از شکوه و شناسنامه آنان بود در سراسر روزگار پس از ساسانیان، حتی در روزگار خلفایی که توجه و باوری به این رسمها نداشتند برپا شود و آشنایی و آگاهی فرمانروایان اموی و عباسی از آئین پیش کشی دادن به حامیان شوند دلیلی برای گرایش فرمانروایان تازی به برگزاری نوروز شد. مردآویز زیاری مازندرانی از قهرمانان ملی ایرانیان که بر بخش های بزرگی از ایران زمین فرمان می راند و اصفهان را پایتخت خود قرار داده بود به برگزاری آئین های ملی ایران همچون تیرگان، مهرگان، سده و مهمتر از همه نوروز، درست به مانند روزگار ساسانیان، کمر بست و در این راه سخت گیری

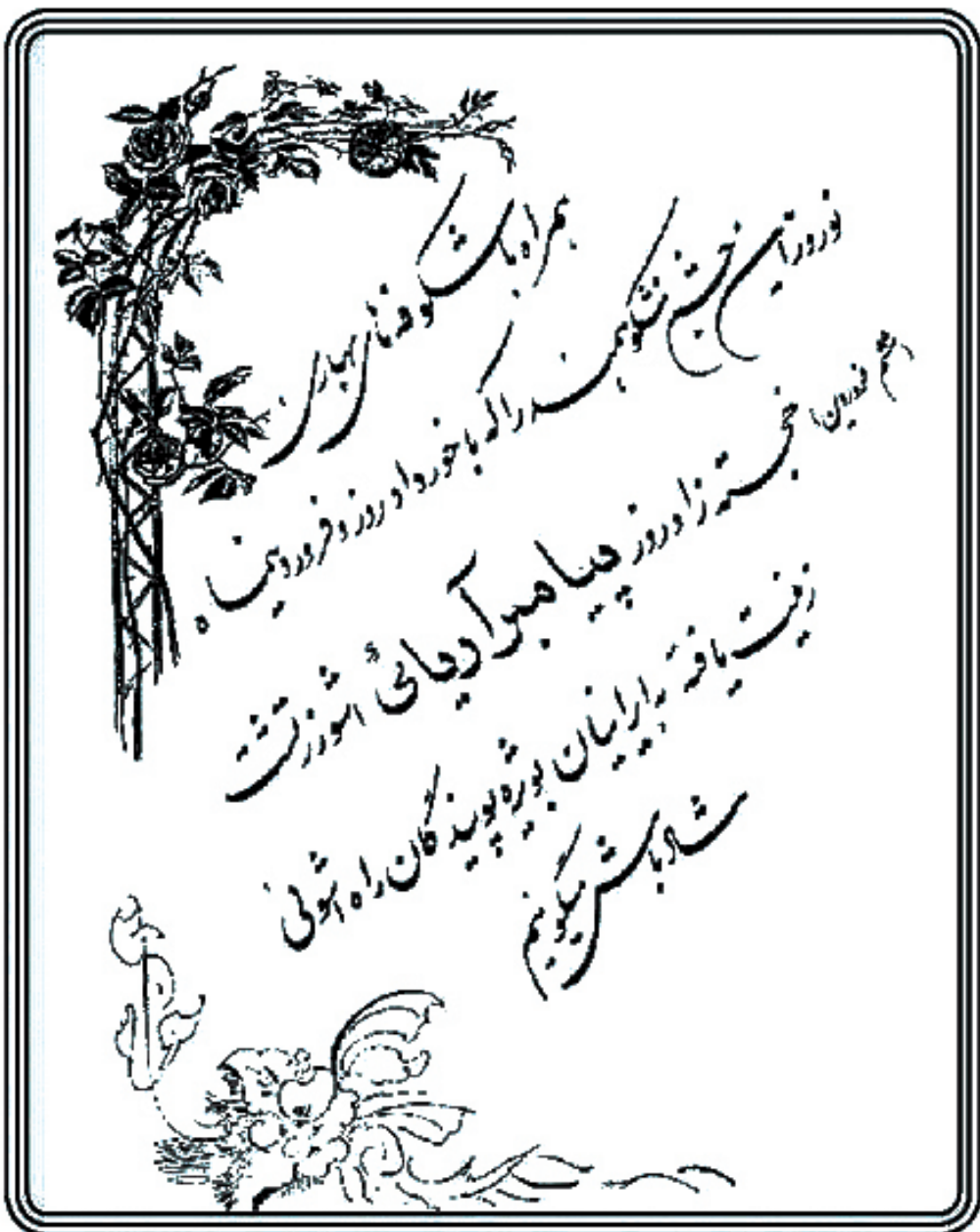


نشان میدهد که این جشن دینی نبوده و به نگاه پژوهشگران این جشن ملی پیش از اشوزرتشت هم یکی از این جشنهای بزرگ مردم بوده است. از برپایی آئین های نوروزی در روزگار هخامنشیان آگاهی درستی در دست نیست و تنها کنده کاریها و سنگ نگاره های بر جا مانده از روزگار هخامنشی نشان دهنده ی برگزاری آئین های نوروزی در تخت جمشید است این آثار، نمایشی است از پیشکش هدیه ها از سوی ملت های تابع هخامنشیان به بارگاه پادشاه. از چگونگی برگزاری نوروز در روزگار اشکانیان آثاری در دست نیست. شادروان پورداوود مینویسد هر چند اشکانیان ایرانی نژاد و زرتشت کیش بودند، ولی چیرگی ۸۰ ساله یونانیان موجب شد که آنان در باب ادب و رسم ایرانی بی قید شوند و شاید در پایان دوره حکومت ۴۷۶ ساله دوباره ملیت ایران قوت گرفت. در روزگار ساسانی آئین نوروز را شش تا سی روز برگزار میکردند و روز ششم فروردین خورداد روز را نوروز بزرگ مینامیدند و این روز را به خورداد امشاسپند نسبت میدادند. پس از شکست ساسانیان تا دیر زمانی مراسم نوروز در ایران پنهانی و خانوادگی برگزار میشد. از روزگار عباسیان به شوند (سبب) گسترش رخنه ایرانیان در دستگاه خلفا مراسم نوروز به این دستگاه راه یافت. در روایت است که هارون الرشید، خلیفه ی پر آوازه ی عباسی هزاران سکه ی نقره در مراسم نوروز سال ۲۱۱ هجری در شهر بغداد به بزرگانی که به دیدن او رفته بودند پیش کش کرد.

به مناسبت فرارسیدن کهنسال  
ترین آیین ملی جهان

نوروز جشنی است به درازی تاریخ تمدن بشری، این تاریخ نیست که نوروز را روایت می کند بلکه نوروز است که تاریخ را در دامن خویش پرورده است. نوروز و آئین های باشکوه آن، راهی چند هزار ساله و پر پیچ و خم را پیموده تا به ما رسیده است. «نوروز» کهنسالترین آئین ملی در جهان است که جاودانه مانده و یکی از شوندهای (دلایل) پایداری فرهنگ ایرانیان است. آئین های برگزاری این جشن بزرگ در روزگار کنونی با سه هزار سال پیش تفاوت چشم گیری نکرده و همبستگی فرهنگی ساکنان ایران زمین را در پی داشته است. ایرانی در هر گوشه از جهان که باشد آئین های نوروزی را یکسان برگزار می کند و برگزار می دارد و بزرگ میدارد. از همین روی است که اندیشمندان «نوروز» را نماد جاودان پایداری هویت و ناسیونالیسم ایرانی خوانده اند و رخداد نگاران در این گفته گمان ندارند، چرا که در درازنای (طول) تاریخ نیروی بزرگ و کارآرایی های فراوان نوروز را مشاهده کرده اند. فردوسی در داستان پدید آمدن نوروز در شاهنامه آورده است: هنگامی که جمشید از کارگرهای کشوری بیاسود، بر تخت کیانی نشست و همه ی بزرگان بر گرد تخت او فراهم آمدند و بر او گوهر افشاندند. جمشید آن روز را که نخستین روز از فروردین و آغاز سال بود، «نوروز» نامید و جشن گرفت. گروهی از پژوهشگران پیدایش نوروز را از روزگار کیومرث، نخستین انسان در اسطوره های ایرانی میدانند و برخی دیگر با اشاره به اوستا میگویند اشوزرتشت در جایگاه یک اختر شناس و پایه گذار گاهشماری خورشیدی، گاه برابر شب و روز، آغاز فصل بهار و جشن نوروز پایه ریزی کرده است. ایرانیان باستان گویا از نوروز در آغاز به عنوان «ناوا سردا» یعنی سال نو یاد میکردند. به نوشته ی ابوریحان بیرونی، دانشمند سده ی ۱۱ میلادی، سفدیان و خوارزمیان، مردمانی ایرانی آسیای میانه، نوروز را «نوسارد» و «نوسارجی» به چم (معنای) «نوسال» یا سال نو می خواندند.

اگر چه نوروز از کهن ترین جشن های ایرانیان است، اما در اوستا به روشنی از آن یاد نشده است و این



## Masterpieces of the Oral and Intangible Heritage of Humanity

است و هدف آن حفظ و احیای زبان، ادبیات شفاهی، موسیقی، رقص، بازی، اسطوره‌شناسی، ادب و آیین‌ها، صنایع دستی و هنرهای سنتی می‌باشد. براساس مقررات یونسکو، هر کشور می‌تواند هر ۲ سال یکبار پرونده‌ای از یک شاهکاره مستقل را به اضافه پرونده یک شاهکار مشترک منطقه‌ای به یونسکو ارائه دهد. هر کشور برای ثبت شاهکار مستقل خود و به نمایندگی از طرف کشورهای حوزه برای شاهکار مشترک باید گزارش جامعی در حدود ۵۰ صفحه به زبان انگلیسی یا فرانسه و دو فیلم یکی به طول ۲ ساعت و دیگری ۱۰ دقیقه درباره آن شاهکار تهیه و در موعد مقرر به یونسکو ارائه دهد تا برای تصمیم‌گیری در اجلاس عمومی مطرح شود.

آئین باستانی نوروز در حوزه تمدنی ایران واقع است و با آنکه زمان و کلیات مراسم نوروز در بین ده کشور منطقه مشترک است. معهذا جزئیات آن در میان این کشورها متفاوت می‌باشد. ایران به عنوان نماینده کشورهای حوزه نوروز با هماهنگی کننده این فعالیت مأموریت یافته تا مدارک لازم را تهیه و پرونده نوروز را برای رسیدگی در اجلاس سال ۲۰۰۵ تسلیم نماید. این رسالت بر عهده سازمان میراث فرهنگی کشور قرار گرفته تا پرونده نوروز را به عنوان پرونده‌ای مشترک از سوی کشورهای حوزه تمدن ایران (احتمالاً همراه با پرونده مستقلی از شاهکار دیگری در زمینه هنرها و آیین‌های سنتی ایران) برای ثبت به یونسکو ارائه دهد. شاید اشاره به این نکته در اینجا بی‌تناسب نباشد که اینجانب در فرصت دیدار از ایران در اگوست ۲۰۰۴ که در صدد یافتن اطلاعات بیشتری در مورد نوروز بودم، فکر کردم

بد نیست با یکی دو تن از مولفان یا محققانی که کتاب یا نشریه آنها را در دست داشتم تماس بگیرم. یکی از این کتابها از انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور بود و توانستم با مولف مورد نظر تلفنی صحبت کنم. ایشان پیشنهاد کردند که اینجانب نقداً و قبل از ملاقاتشان در جلسه‌ای که قرار بود روز بعد (۱۱ اگوست ۲۰۰۴) به منظور هماهنگی کردن تلاشهای «کشورهای برگزارکننده نوروز» در به ثبت رساندن نوروز در فهرست «شاهکارهای شفاهی و غیر ملموس میراث بشری» در دفتر یونسکو در تهران تشکیل شود شرکت نمایم. من نیز چنین کردم و در فرصت‌های بعدی ایشان را ملاقات نمودم. اگر پیشنهاد آنروز ایشان نبود، امروز این نوشتار به این صورت تهیه نمی‌شد. در آن جلسه نمایندگان شش کشور آذربایجان، افغانستان، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان و هندوستان قطعنامه این گردهمایی را مبنی بر انتخاب ایران به عنوان کشور هماهنگ کننده امضا نمودند، در حالیکه دو کشور ازبکستان و ترکیه امضای آن را به بعد موکول کردند. کشور تاجیکستان در این گردهمایی شرکت نداشت و آمادگی خود را برای امضا اعلام نموده بود. در این همایش کلمه نوروز به چند شکل بر روی اوراق و پوسترها نوشته شده بود و اینجانب توضیح لازم را دادم و توصیه دکتر یار شاطر را به اطلاع حاضران رساندم. از آن پس یونسکو و سازمان میراث فرهنگی کشور شکل پیشنهادی Nowruz را در همه جا به کار برده‌اند. بسیاری از نهادهای عمده آموزشی و فرهنگی نگارش کلمه نوروز را به شکل NOWRUZ برگزیدند. از جمله بنیاد میراث ایران وابسته به دانشگاه آکسفورد در انگلستان، در

پاسخ مورخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴ به نامه اینجانب، اعلام داشت که از این پس در کلیه نشریات خود شکل پیشنهادی را بکار خواهد برد. جالب اینکه پژوهشگر نامور ایرانی زنده یاد دکتر محمد مقدم در رساله دکترای خود زیر عنوان «ریشه‌های هند و اروپایی جشن‌های سال نو ایرانی» که در سال ۱۹۳۸ (قبل از جنگ جهانی دوم) به دانشگاه Princeton آمریکا ارائه نموده، نوروز را به صورت Nowruz نوشته.

بنا به پیشنهاد مراجع علمی و برای همسانی با یونسکو نوروز را Nowruz بنویسیم. نوروز بزرگترین جشن ما ایرانیان است که به سابقه تاریخی آن می‌بالیم و با سر بلندی آنرا جشن میگیریم. در خارج از ایران غالباً ناگزیریم نوروز را با الفبای لاتین بنویسیم و هرکس به دلخواه و سلیقه خود آن را به گونه‌ای می‌نویسد از حدود ۲ سال قبل که اینجانب متعهد به تالیف کتاب جامعی زیر عنوان «نوروز» به زبان انگلیسی شدم (و متأسفانه به سبب تهدات دیگر تا کنون موفق به اتمام آن نشده‌ام) در مسیر بررسی منابع غیر فارسی، به گوناگونی و تشتت آنرا در نگارش نام نوروز با الفبای لاتین پی بردم. بخش اول کلمه نوروز را به سه شکل Now یا NO یا Naw در (تاجیکستان به شکل Nav) و بخش دوم آنرا به سه شکل Rouz یا Rooz یا Ruz نوشته‌اند. این تنوع در نگارش هنگامی بسیار چشمگیر می‌شود که گروهی دو بخش را سرهم به صورت یک کلمه و عده‌ای جدا از هم به صورت دو کلمه می‌نویسند و بعضی هم بین دو بخش آن خط تیره می‌گذارند.

# نوروز را Nowruz بنویسیم

از دکتر بهرام گرامی

تنها در اینترنت تا کنون هفده صورت نگارش برای نوروز با الفبای لاتین دیده شده است. این ناهمگونی در نوشتن نام نوروز شاید برای خود ما کم اهمیت باشد و یا در نظر برخی به هیچ وجه موضوع قابل توجهی نباشد، ولی به چشم غیر ایرانیها بسیار عجیب مینماید، تا آنجا که برای گروهی از خارجی‌ها سه گمان پیش آمده که یا سال نو ایرانی نام و نشان درستی ندارد یا اصل و ریشه و معنی آن برای ایرانیان درست روشن نیست و یا گروه‌های مختلف ایرانی سال نو متفاوتی را جشن میگیرند. از آنجا که دایرالمعارف که بیش از دو دهه قبل با همت والای دانشمند گرانقدر استاد دکتر احسان یار شاطر بنیان گذارده شد و مجله‌های آن تا کنون زیر نظر ایشان تدوین و توسط دانشگاه کلمبیا منتشر گردیده و هم اکنون بی‌تردید بزرگترین و معتبرترین مرجع ایران شناسی در زبان انگلیسی است لذا این نگارنده در مقام پرسش از دکتر یار شاطر برآمد که نوروز را با الفبای لاتین چگونه باید نوشت ایشان در پاسخ اظهار داشتند «که نوروز یک کلمه است» و نگارش آن نه فقط برای انگلیسی‌زبانان بلکه برای دگر ملت‌ها در کشورهای اروپای نیز، با رعایت قواعد آواشناسی (Phonetics) و پس از «تاملات و ملاحظه‌های بسیار» به صورت NOWRUZ سفارش گردیده است. متعاقب توضیحات دکتر یار شاطر، اینجانب یاد داشت کوتاهی در فصلنامه ره آورد، شماره ۶۱، صفحه ۳۵۴، چاپ لوس آنجلس، در این مورد نوشتم.

هیات اجرای یونسکو بخش علمی، آموزشی و فرهنگی سازمان ملل متحد در یکسد و پنجاه و پنجمین اجلاس خود در سال ۱۹۹۸ از دبیر کل یونسکو درخواست نمود تا برای اجرای یک برنامه بدیع فرهنگی بودجه اختصاص یابد. این برنامه - آنطور که در ایران از آن نام برده شد - به نام «شاهکارهای شفاهی و غیر ملموس میراث بشری»



ماهنامه زرتشتیان

آگهی می‌پذیرد

تلفن

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

توانسته است هدفش را دنبال کند. از مهربانو گودرز می‌خواهم که بعنوان اولین فرد زرتشتی که بطور حرفه‌ای کار خوانندگی موسیقی اصیل ایرانی می‌کند احساسش را برایمان بگوید و پیام او به همکیشان بخصوص جوانان چیست؟ او می‌گوید که جوانان با ذوق هنری باید سعی و تلاش بیشتری در دنبال کردن هدف‌های خود بکنند و به استعدادها و رویاهای خود بی‌اعتنایی نکنند و با ارزش قائل شدن برای احساسات درونی خود بی‌شک دیگران هم به این عواطف و احساسات احترام می‌گذارند. می‌ما آواز را یکی از بهترین راه‌ها برای ابراز عواطف درونی انسانی میداند که همراهی آن با موسیقی پر بار سنتی ایرانی بدون شک بر زیبایی و لطافت ابراز این احساسات می‌افزاید. می‌ما امیدوار است که با آوازش بتواند روح شنونده را لمس کند تا بدین وسیله توجه بیشتری به لطافت و زیبایی این موسیقی غنی بشود. می‌ما در کنار موسیقی سنتی پس از آشنایی با آقای عماد بنکدار که در رشته گیتار فلامینکو تخصص دارد در شرف تهیه یک سی‌دی و ویدئو است و می‌خواهد که آواز سنتی ایرانی را با موسیقی اسپانیولی هماهنگ کند تا بدین ترتیب توجه جوانان را بیشتر به موسیقی ایرانی جلب کند. به مهربانو گودرز «می‌ما» به خاطر جرات و پشتکارش در کار هنری اش شاد باش می‌گویم و از او می‌خواهم که همانطور که سازمان فروهر جوانان زرتشتی این شانس را به او داد که هنرش را بیاموزد و دنبال کند امیدوارم او هم روزی بتواند دین خود را به جامعه ادا کند و شاید با تشکیل کلاس‌های آواز برای جوانان این امکان را به آنها بدهد تا استعدادهای خود را پرورش دهند. به امید آنکه با تشویق و پشتیبانی دیگران، این استعدادهای نهفته شناسایی و در جامعه‌های هنری بدرخشند از مهربانو گودرز «می‌ما» برای فرصتی که به ماهنامه زرتشتیان داده است تا بیشتر با او و هنرش آشنا شویم سپاسگزاری می‌کنم و برای او و خانواده‌اش تندرستی و دیرزیوی آرزو می‌کنم.

از: نسرين اردیبهشتی

و رهبری ایشان به یادگیری تصنیف و آوازهای سنتی و قدیمی ایران می‌پردازد. از همین طریق بود که می‌ما با دیگر افراد گروه «می‌هن» آقایان فراز مینوی، ناصر شیخ زادگان، شاهین گرگانی و خواهرش نسیم گرگانی و آقای بهفر بهادران آشنا میشود که تاکنون کنسرت‌های متعددی را باهم در شمال کالیفرنیا اجرا کرده‌اند. می‌ما می‌گوید که در آوازه‌هایش از اشعار بسیاری از شعرای ایران از جمله مولانا، حافظ و بسیاری از شعرای معاصر مانند شفیعی کدکنی، سایه و گاهی هم از اشعاری که خود اعضای گروه میسرینند استفاده میشود. در توضیح سبک موسیقی گروه «می‌هن» می‌ما می‌افزاید که به سبب داشتن ۳ عضو بسیار جوان که در آمریکا در رشته موسیقی به تحصیلات خود ادامه میدهند، موسیقی گروه با وجود اصالت زیاد، الزاماً سنتی نمی‌باشد. در مورد فلسفه گروه، می‌ما می‌افزاید که هدف اصلی در درجه اول شناساندن موسیقی اصیل ایرانی به همگی و همچنین آوردن جوانان علاقمند و جدی نسبت به این سبک موسیقی به صحنه‌های هنری می‌باشد. از می‌ما می‌خواهم تا در باره خود و خانواده‌اش صحبت کند. او می‌گوید که پدرش

آقای گودرز گودرزی فرزند یکی از بنیانگذاران بیمارستان گودرز در یزد است و مادرش بانو مهوش سروشیان دختر شاه جمشید سروشیان که خود یکی از نویسندگان و تاریخ نویسان زرتشتیان است می‌باشد. خواهر بزرگتر می‌ما «وستا» عکاس حرفه‌ای و همچنین گریمر کانال PBS نیویورک می‌باشد. او ازدواج کرده و در نیویورک مقیم است. می‌ما با آقای خشایار مزده ازدواج کرده، دارای ۲ پسر به نامهای سیروس و کاوه ۳ و ۶ ساله می‌باشد. می‌ما از شوهرش به عنوان یک همسر دلسوز و پشتیبان یاد می‌کند و می‌گوید که ادامه هنر خوانندگی او بدون همکاری و همیاری شوهرش خشایار امکان پذیر نمی‌باشد. از می‌ما می‌پرسم که چگونه توانسته است کار ادامه خانه و خانواده را با هنر خوانندگی اش هم آهنگ کند. او می‌گوید البته که کار آسانی نیست و با عشق و علاقه‌یی که او به هنرش دارد و با تشویق و کمک خانواده و دوستان

اصیل ایرانی میشود. پس در سن ۱۴ سالگی سبک خواندن خود را به موسیقی سنتی ایرانی تغییر میدهد. در همین روزها بود که می‌ما از کلاس‌های آواز و موسیقی که در سازمان فروهر جوانان زرتشتی در تهران تشکیل میشد با خبر میشود و چون علاقه فراوان به یادگیری آواز و موسیقی داشت بی‌درنگ در این کلاس‌ها نام نویسی می‌کند. می‌ما یادگیری آواز را با استاد زنده یاد محمود کریمی و سپس شاگرد ایشان خانم افسانه ثایی شروع می‌کند. بهترین و شیرین‌ترین خاطرات زندگی می‌ما از همین دوران که مشغول یادگیری آواز و موسیقی بود می‌باشد و با اینکه در این روزها جنگ بین ایران و عراق ادامه داشت و با وجود ترس و هراس از بمب‌های هوایی و آژیرهای خطر در تهران، می‌ما همواره به دلیل علاقه‌ای فراوانش به یادگیری، همیشه در کلاس‌ها

حاضر میشد. از می‌ما می‌پرسم که آیا

## گفت و شنودی با مهربانو گودرز «می‌ما» خواننده‌ی گروه «می‌هن»

آلات موسیقی هم مینوازد؟ او می‌گوید از کودکی به یادگیری نواختن پیانو پرداخت و همیشه در برنامه‌های هنری سازمان فروهر جوانان زرتشتی شرکت میکرد. چند سال هم به نواختن سنتور مشغول بود. بعد از مهاجرت به آمریکا و مقیم شدن در شهر لوس آنجلس، رشته موسیقی را برای ادامه تحصیلات خود بر می‌گزیند. و در همین دوران بود که با آقای اسماعیل تهرانی و گروه عشاق آشنا میشود و مدتی هم با ایشان کار می‌کند. می‌ما از تصور اینکه شاید موسیقی نتواند تنها تامین کننده‌ی آینده مطمینی برای او باشد به تحصیلات آکادمیک روی می‌آورد تا اینکه درجه مهندس صنایع خود را در سال ۱۹۹۵ دریافت می‌کند. او مدت ۱۰ سال هم در رشته تخصصی خود کار کرد اما همیشه احساس میکرد که خلای در زندگی وجود دارد و کار و حرفه‌ای را که برگزیده بود راضی و آرامش نمیکرد. کمبودی را که می‌ما در خود احساس میکرد چیزی جز آواز و موسیقی نبود. می‌ما بعد از مدتی به شمال کالیفرنیا نقل مکان می‌کند و به دنبال ادامه‌ای کار هنریش آواز و موسیقی بر میگردد. در همین ایام بود که با آقای محمود ذوالفنون آشنا میشود و با استادی

آگاه شدم که مهربانو گودرز(می‌ما) با نوازندگان گروه «می‌هن» کنسرت موسیقی اصیل ایرانی را در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا اجرا می‌کند. با شوق بسیار به دیدن این کنسرت رفتم تا اولین فرد زرتشتی که در این زمینه بطور حرفه‌ای فعالیت دارد را از نزدیک ببینم. مهربانو را زنی جوان یافتیم با چهره شرقی و جثه‌ای کوچک که صدای بلند و رسایی داشت و زمانی که شروع به خواندن کرد همه‌ی تماشاچیان حاضر در کنسرت شیفته صدای گرم و رسای او شدند. با می‌ما به صحبت مینشیم و از او می‌خواهم که درباره هنر آوازش و اینکه چگونه به این مرتبه از خوانندگی رسیده است برایمان سخن بگوید.

می‌ما می‌گوید که از همان دوران کودکی حدود ۴ سالگی به خواندن آهنگ‌ها و تصنیف‌های روز علاقه داشت و آهنگهای گوگوش و هایده را میخواند. می‌ما مادر خود بانو مهوش سروشیان را مشوق اصلی خوانندگی خود میداند.



او می‌گوید که مادرش همیشه او را تشویق به خواندن میکرد و ادامه کار هنری اش را مدیون مادر عزیز خود است. از مهربانو می‌پرسم که چرا نام «می‌ما» را برای خود برگزیده است. او در جواب می‌گوید که خواهرش وستا در کودکی او را به این نام صدا میکرد و این اسم همچنان بر او مانده است و همه اقوام و دوستان مهربانو را به اسم «می‌ما» میشناسند. می‌ما می‌افزاید زمانی که شروع به خواندن آواز کرد علاقه به آهنگهای پاپ و مدرن داشت تا اینکه روزی به نواری از استاد شجریان که خواهرش در مسافرت به خارج، در ایران جا گذاشته بود گوش میدهد و از همان لحظه شیفته موسیقی

**هتل نروید**  
**خانه‌ای مبله در غرب تهران اجاره داده میشود**  
**تهران - راستین مسکن**  
**۸۸۰۰۵۷۵۷**  
**۸۸۰۲۵۳۵۲**

# پالایش زبان پارسی

از دکتر زرتشت آزادی

سخنرانی در همایش انجمن فرهنگی تیره های ایرانی در باره ی «زبان پارسی در کشور های پارسی زبان» ارواین، کالیفرنیا، ۷ نوامبر ۲۰۰۹

پالایش در بنیاد «پادآلایش» بوده که در گذرگاه زمان کوتاه گردیده و پالایش شده است. «پاد» هر گاه پیشوند یا پسوند واژه ای (کاری) باشد، معنی کاری در برابر آن کار را می‌رساند. ما پادزهر را در برابر زهر می‌دهیم و در برابر آفتد بیگانگان از میهن و فرهنگمان پدآفتد (پاد آفتد) می‌کنیم بنابراین پالایش یعنی زدودن آلایش. واژه ی دیگر برای «آلایش» «آلودگی» است. پالایش زبان پارسی یعنی زدودن آلودگی از زبان پارسی.

زبان پارسی که زبان رسمی میهن ما ایران است. به سختی از زبان عربی آلایش یافته و نیاز به پالایش دارد. پالایش زبان پدآفتد از زبان است و چون زبان بخشی از فرهنگ و فرهنگ بخشی از میهن است. پالایش زبان به راستی پدآفتد از فرهنگ و از میهن است. کسانی که در کار پدآفتد از فرهنگ و از میهنند نباید پالایش زبان را دست کم بگیرند.

در زبان پارسی از زبانهای دیگر مانند ترکی و روسی و چینی هم واژه هایی هست ولی شمارشان اندک است. افزون بر این، آن واژه ها شهروند زبان پارسی شده اند زیرا ما آنها را برابر دستور زبان پارسی جمع می‌بینیم و بکار می‌بریم. زبان بیگانه ای که در زبان پارسی واژه های بسیار دارد که نه نیازی به آنها هست و نه آن واژه ها از دستور زبان پارسی پیروی میکنند، زبان عربی است. به این واژه ی عربی «علم» بنگرید که آنرا بجای واژه ی پارسی «دانش» به پارسی آورده اند و واژه های علوم، عالم، علما، معلوم، معلومات، معلم، معلمین، تعلیم، تعلیمات و تعلم، را همه برابر دستور زبان عربی از آن می‌سازند و در پارسی بکار می‌برند. دانش آموز زبان پارسی بجای یادگرفتن واژه های پارسی و دستور زبان پارسی باید اینگونه واژه ها و راه ساختن آنها را یاد بگیرد. چون زمان این سخنرانی تنگ است نمیتوانم بیش از این نمونه بدهم و زشتی کار را بنمایانم. به تک این را می‌گویم که اکنون بیش از ۶۰ درصد واژه هایی که در گفتار و نوشتار پارسی بکار می‌رود واژه های عربی است که همه را با دستور زبان عربی بکار می‌برند. بیاد بیاوریم که زبان پارسی

۱- به تک واژه ای پارسی است و معنیش برابر «فقط» است که واژه ای عربی است. سعدی گفته است: به ره بر یکی پیشم آمد جوان به تک در پیش گوسپندی دوان

خود واژه ها و دستور زبانی دارد که در گفتار و نوشتار پارسی باید بکار برده شوند. اگر کسی بجای آنها واژه های بیگانه و دستور زبان بیگانه به کار برد به زبان پارسی و به فرهنگ ما یعنی به خود ما گستاخی و بی ادبی کرده است. نیز به یاد بیاوریم که زبان پارسی ریشه و پیشینه ی چند هزار ساله دارد. زبان عربی تنها نزدیک به ۱۵۰۰ سال پیش شناخته شده و بیشتر واژه های خود را از زبانهای دیگر از جمله از زبان پارسی ساخته و آنها را عربی (معرب) کرده و با دستور زبان عربی به کار برده است. اینکه می‌گویند زبان پارسی کم واژه بوده و به ناچار از عربی واژه گرفته، هرگز درست نیست. درست این است که بگویم چون واژه های عربی در زبان پارسی بکار برده اند بسیاری از واژه های پارسی از یادها رفته اند. من نمونه های بسیاری در این باره دارم و می‌توانم نشان بدهم.

انگیزه ی آلودگی زبان پارسی به واژه ها و دستور زبان عربی در آغاز، چیرگی تازیان بر ایران و تلاششان برای نابودکردن فرهنگ ایران و پیش راندن فرهنگ عربی بود. بسته شدن دبستان های ایرانی پس از چیرگی تازیان و گسترش آموزشگاههای اسلامی (مکتب خانه ها) و چاپلوسی و کم دانی نویسندگان و رسانه های پارسی زبان از آن زمان تا کنون، نیز یاری داده اند تا آلودگی را به اینجا رسانده اند که امروزه بیش از ۶۰ درصد زبان پارسی واژه های عربی است که در پارسی برابردستور زبان عربی به کار می‌برند و کسی از آن شرم ندارد!

آیا زبانی که ریشه چند هزار ساله دارد و در دوره ی هخامنشیان زبان امپراتوری ایران بوده و بزرگانی همچون رودکی، دقیقی، فردوسی و اسدی توسی با آن سروده اند سزاوار است که بچنین روزگاری بیفتد؟

آلودگی پارسی به عربی بدیهای بسیار دارد که تنگی زمان نمیگذارد آنها را برشمارم، تنها دو تا را می‌گویم. یکی اینکه آلودگی به عربی زبان ما را از پرورش و ایستایی به خود باز میدارد و آنرا به زبان بیگانه وابسته می‌کند. این وابستگی بدبختانه پدیدار شده و روبه فزونی است. دیگر اینکه آلودگی به عربی، یاد دادن و یاد گرفتن زبان پارسی را بسیار دشوار ساخته است. برخی از زبانشناسان نوشته اند زبان پارسی یکی از آسانترین زبانهای جهان است. این درست است ولی آلودگی به عربی زبان پارسی را یکی از سخت ترین زبانها کرده زیرا آموزنده باید واژه ها دستور دو زبان (پارسی و عربی) را یاد بدهد و یاد گیرنده نیز باید واژه ها و دستور دو زبان را به نام یک زبان یاد بگیرد. این بدی، بسیاری از دانش آموزان را از یادگرفتن پارسی می‌رماند.

برایراندوستان و میهن پرستان است که برای پالایش زبان پارسی از آلودگی های عربی جنبش کنند. کار بنیادین را باید دولت و سازمانهای میهنی و رسانه های پارسی زبان انجام بدهند. چون دولت و سازمانها و رسانه‌ها اکنون در روند عربی گرایی هستند و به خواست کسانی چون ما کمتر می‌پردازند ما به ناچار باید از خود آغاز کنیم. خوب است هر یک از ما در هر هفته دو سه تا از واژه های عربی را که در گفتار و نوشتار بکار می

بریم کنار گذاشته و بجایشان واژه های پارسی با دستور زبان پارسی به کار برد. پس از چند هفته که هر کس در این کار به راستی به راه افتاد به خویشان و دوستان و آشنایان نیز پیشنهاد کند که آنها هم چنین کنند. بی گمان برخی از آنها پیشنهاد را خواهند پذیرفت و در این راه خواهند کوشید. پس از آن هر کس جداگانه با یک یا چندتا از رسانه های پارسی زبان در پیوند شود و با نشان دادن کوتاهی های آنها درخواست بکند که رسانه ها پارسی گرا شوند و از واژه های عربی بکاهند.

دشواری کار ما از رسانه هاست. اگر رسانه ها پارسی گرا شوند مردم نیز پارسی گرا خواهند شد زیرا مردم واژه هایی را که می‌گویند یا مینویسند از



رسانه‌ها می‌آموزند.

اگر هر یک از ما این کارها را به اندازه ی توانایی انجام دهد جنبش پالایش زبان پارسی پا خواهد گرفت و گسترش خواهد یافت و هنگامیکه در ایران دولت میهنی برپا شود برنامه ی پالایش زبان را برپایه ی تلاشها و کرده های این جنبش خواهد گذاشت و زبان ما از آلودگی زدوده خواهد شد.

چون این همایش در باره ی زبان پارسی در کشورهای پارسی زبان است و زبان پارسی در آن کشورها و در جاهای دگر زیر فشار زبانهای عربی، ترکی، پشتون، ازبکی و دیگر زبانها آمده و نیاز به یاری دارد، من یک راه یاری دادن به زبان پارسی را که هم شدنی است و هم کار ساز است نیز در اینجا پیشنهاد می‌کنم.

پیشنهاد این است که در همه جا گروه هایی از ۳ تا ۷ تن بر پا شوند، هموندان این گروه ها هر ماه یک یا چند ساعت دیدار کنند و در دیدارها با زبان پاک پارسی درباره ی زبان پارسی و ریشه ها و سرگذشت و تاریخ آن گفتگو کنند. هموندان این گروه ها بهتر است از لایه های گوناگون اجتماعی باشند. اگر این گروهها بر پا شوند و براه بیفتند خوب است انجمن فرهنگی تیره های ایرانی را از آن آگاه کنید. شاید بتوان در میان گروه ها پیوندی برپا کرد و این پیوندها را بتوان در آینده گسترش داد و بهره های سودمند فرهنگی از آنها گرفت.

زبان پارسی از آلودگی زدوده باد.



بی تو ای چاوش، ای راهبر هستی من

۱. سازمان زنان زرتشتی در تهران یکی از بنیان گزاران و نخست دبیر افتخاری و سپس رئیس افتخاری در آن سازمان.

۲. انجمن فرهنگ ایران باستان یکی از بنیان گزاران و نخستین رئیس افتخاری در آن انجمن.

۳. بنگاه عمران کشور مدیرعامل بنگاه نامبرده.

۴. بهبود زندان زنان تهران آموزش دهنده مددکاران و کارمندان برای بهبود امور زندانیان

۵. شورای عالی زنان ایران دبیر اول شورای نامبرده (دریافت کننده نشان افتخار)

۶. سازمان صنایع دستی ایران (وابسته به وزارت اقتصاد) (مبتکر) طرح دهنده (برنامه ریز و نخستین مدیرعامل سازمان نامبرده) دریافت کننده ۲ نشان افتخار

ILO.7

International labour

Organization) وابسته به

سازمان ملل (United Nation)

۱. معاون سازمان نامبرده در کشور Jamaica و مسؤل بخش سواد آموزی - نظافت Hygiene و پیراستن شخصی و آموزش فنون

۸. مرکز زرتشتیان در کالیفرنیا جنوبی

یکی از بنیان گزاران و نخستین رییس مرکز و عضو هیأت امنا

۹. برگزیده شدن به عنوان زن شایسته سال و دریافت لوحه بدین مناسبت در سال ۱۳۷۳ خورشیدی برابر با ۱۹۹۴ میلادی در دانشگاه

۱۰. در سال ۱۹۹۶ میلادی برگزیده شدن از سوی اتحادیه انجمن های زرتشتی آمریکای شمالی

Federation of Zoroastrian Association of North America (FEZANA).

(به عنوان بانوی زرتشتی با خدمات ممتاز و دریافت لوحه بدین مناسبت).

روانش شاد یادش گرامی باد.

بی چراغ نگهت ، به تو سرگردانم

دست من گیر در این خالی عمر دست من گیر پناه همه ی هستی من

تو از این داغ سیاهم برهان کاشکی تا ابدیت دو قدم پیش نبود

که حجاب تنم از چهره ی جان بگیرم تو هویدا گردی که دگر بار به آن اصل بپیوندم من

به تو پیوندم من من و تو بار دگر ما گردیم

که به اندازه ی این بعد که بین من و دوست

من و تو تنهاییم و در این دایره سان، من و تو حیرانیم

راه گم کرده و سرگردانیم .

\*\*\*\*\*



## به یاد زنده یاد فرنگیس کیخسرو شاهرخ

چکیده زندگی:

نام: فرنگیس نام خانوادگی:

کیخسرو شاهرخ (یگانگی)

تاریخ تولد: ۲۱ اردیبهشت ۱۲۹۵

خورشیدی در شهر تهران

نام پدر: ارباب کیخسرو شاهرخ

نام مادر: فیروزه فرهی

نام همسر: اردشیر یگانگی

نام فرزندان: فیروزه - پرویز - کامبیز

تحصیلات: کلاس اول تا پایان نهم

در مدرسه زرتشتیان تهران (ایرج)

کلاس دهم تا پایان دوازدهم کالج

آمریکایی در تهران Sage College

لیسانس در ادبیت فارسی و انگلیسی

از دانشگاه ادبیات تهران

فوق لیسانس در خدمات اجتماعی

(Social work) از دانشگاه USC

در USA, California, Los angles

# استادش خاموش شد

دکتر بهرام فره وش



از دکتر علی اکبر جعفری

استاد بهرام فره وش، استاد اوستا، پارسی باستان و پهلوی، دانشگاه تهران، در ۶۲ سالگی خود، پس از بیماری درازی، به روز هشتم خرداد ۳۷۳۰ = ۲۹ می ۱۹۹۲ در شهر سن حوز، کالیفرنیا در گذشت.

وی استادی برجسته و دانشمندی برگزیده بود. با اینهمه، مردی خاموش و دور از نمایش بود. او شاگردی بود که استاد استادان ابراهیم پورداوود او را جانشین خود خوانده بود.

فره وش هموند انجمن تاریخ ایران بود. برنامه «ایران زمین» وی در رادیو تلویزیون ایران دوستداران فراوان داشت. زمانی سالار «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» بود و در زمان استادی خود، سرپرست «انتشارات دانشگاه تهران» ماند.

وی پیش از آنکه به اندیشه ی نوشتارهای خود باشد، به چاپ و پخش نوشته های استاد خود بود و امروز ما کتابهای پورداوود را از وی در دست داریم. دو نوشته فره وش، «فرهنگ پهلوی، فارسی» و «فرهنگ فارسی - پهلوی» آبخور تشنگان فرهنگ ایران باستان اند.

«ایرانویچ» و «جهان فروری» را نیز باید نام برد. نوشتارها و جستارهایش زیب هرماهنامه و سالنامه ی با ارزش می باشند و آنها را نمی توان شمرد.

بهرام، همسر خود «هما گرامی» را که زمانی شاگردش بود و سپس به زندگی پیوست، دو فرزند دلبد را و صدها شاگرد را در اندوه فروبرد و رفت. برخی از شاگردانش استاد و دانشمند گردیده اند و امروز ایران بزرگترین شمار اوستا و پهلوی دانان را دارد و به آن می بالد.

بهرام از سال ۳۷۰۱ = ۱۹۶۳ همکار و یارم بود هر دو هموندان نخستین «هیات مدیره» و «کمیته انتشارت» انجمن فرهنگ ایران باستان بودیم. او در انجمن زبان پهلوی می آموخت و من اوستا و پارسی باستان. با هم در بسیاری از گردهماییها ی ایرانی و جهانی رفتیم. زمانی هم که

برای درمان در سن حوز بود. با هم گفتگوهای تلفنی داشتیم و می گفت که همینکه بهتر گردد به لوس انجلس خواهد آمد. اما آوایش خسته و مانده شنیده می شد. همانا که می خواست خاموش شود. یادش جاوید باد.

به روان والای همسر ارجمندم

سروده ی هما فره وش «گرامی»

تو بگو تا ابدیت که میان من و دوست چقدر فاصله است

چقدر بُعد میان من و دوست

تو بگو، من چقدر راه دگر پیمایم، که به پیمانه ی مقصود رسم

چقدر برخاک رخت سر سایم، که به معبود رسم

تو بگو، به کدامین دامن سرغم بگذارم گریه آغاز کنم

زار زار از ته دل ساز کنم

که همه ابرهای عالم در دلم می گریند و همه اشک های عالم در سکوت نگهم

خشکیدست

و در این بُعد که بین من و دوست

موج تنهای و اندوه چنان لبریز است

که همه برگ و برم پاییز است

.....

تو بگو چیست در آن سوی زمان ؟

کیست در گردش این دایره سان ؟

چیست این بند که در پای منست ؟

چیست آن پای گریز تو این بند

گسست ؟

تو بگو، به کدامین دریا پیوستی

چو از این خاک تهی بگسستی ؟

راستی، هیچ دریایی هست ؟

راستی را، آیا تو کسی را دیدی،

زآشنایان قدیم ؟

هیچ، آرامی هست؟ یا در دیر سر

گردانند ؟

من نمی دانم، آیا تو چه حالی داری ؟

بی تو من، در فضایی خالی حیرانم.

# فسرو انوشیروان دادگر بود

مرا داد فرمود و خود داورست

نوشته: دکتر عباس بابک  
استاندارد پیشین گیلان و مازندران



داستان کشتار مزدکیان که اغلب با آب و تاب یاد میکنند یک مسأله سیاسی و امنیتی بوده که موجب خشم شدید موبدان گردید، سرانجام به کشتار جمعی از مزدکیان منجر شد.

به گواهی تاریخ، این قبیل کشتار بلکه فجیع تر، وسیله شاهان و فرمانروایان قدیم و حتی پیشوایان مذهبی مکرر در جهان رخ داده و نمیتوان واقعه مزبور را تحت فشار موبدان و برای بقای سلطنت که در خطر قرار داشته صورت گرفته دلیلی بر نفی دادگری و عدل انوشیروان دانست.

داستان کفش گر نیز درسیاست نامه خواجه نظام الملک نوشته شده لیکن بد خواهان به غلط تعبیر کرده و گفته اند

تقاضایش این بود که اجازه دهند فرزندش به مدرسه راه یابد و درس بخواند. ظاهراً اصل قضیه این بوده که شاه برای هزینه جنگ با دولت روم از مردم کمک مالی خواست بود، کفشدزوی ذخیره مالی خود را به دولت عرضه میکند و در مقابل تقاضا داشته که فرزندش به دبیری دربار پادشاه پذیرفته شود که چون واجد شرایط استخدامی دربار نبود، پذیرفته نمیشود. وگرنه سوادآموزی همگانی داشته و همه میتوانستند باسواد شوند و درمدارسی شبیه به مکتب خانه یا ملاخانه های قدیم ایران درس بخوانند.

مکتب خانه ها وسیله موبدان اداره میشده و به اختلاف طبقاتی ارتباطی نداشته است، کما اینکه بزرگمهر خود دهقان زاده بود که به مقام صدارت انوشیروان ارتقا یافته است.

گفتنی است که به گواهی تاریخ انوشیروان پادشاهی روشنفکر و ادب دوست بوده، چنانچه کلیله و دمنه که کتابی بسیار جالب و آموزنده است به دستور انوشیروان و به وسیله برزویه حکیم دانشمند معروف ایرانی به زبان پهلوی ترجمه شده است. سعدی داستانی از انوشیروان آورده که کسی به او گفت خداوند فلان دشمنت را از میان برداشت.

گفت هیچ شنیدی که مرا بگذاشت؟

توضیح اینکه کلیله و دمنه به زبان هندی بوده و به دستور «دبش لیم رای» پادشاه بوسیله «بیدیای برهمن» هندی که از وزرای او بوده نوشته شده است که نخست ۶ باب بوده و برزویه ۶ باب از خود بر آن افزوده است که سپس ها «عبداله مقتع» آنرا به عربی ترجمه کرد، سپس به فارسی ترجمه شد است که اکنون از کتاب های معروف ادبی و در دسترس همگان هست.

در شهریور ماه ۱۳۲۰ ایران به اشغال متفقین درآمد. جنگ جهانی دوم به مرحله حساسی رسیده بود. آلمان نازی تا قلب شوروی سابق پیشرفته بود. متفقین مرکب از امریکا، انگلیس و شوروی برآن شدند که از خاک ایران، اسلحه و مهمات جنگی به شوروی بفرستند و او را بیش از پیش تقویت کنند رضا شاه پهلوی که چندی بود در قبال مطامع و ملاحظات بی جای دولت انگلیس ایستادگی میکرد و با آلمان نازی هم مبادلات و روابط دوستانه برقرار کرده بود و در آن مرحله حساس مورد خشم شدید انگلیس قرار داشت از فرصت استفاده شد، او را وادار به استعفا کردند و با کشتی به جزیره «موریس» تبعید کردند.

با خروج رضا شاه از کشور اصلاحات بنیادی تجددخواهانه که به مقتضای شرایط روز به صورت ضربتی و بی وقفه ادامه داشت و چهره کشور را به کلی دگرگون کرد و نسبت به کشورهای همسایه ممتاز ساخته بود یکباره متوقف شد.

عوامل کمونیسم و نیروهای ارتجاعی که دوره رضا شاه یارای خودنمایی نداشتند سر بلند کردند و به حمایت نیروهای بیگانه وارد میدان شدند. در حالیکه زعمای احزاب خود از تحصیل کرده های دوره رضا شاه بودند به انتقام جویی پرداختند و به امید اینکه زمینه را برای تغییر رژیم آماده کنند، خدمات و اصلاحات اساسی و همه جانبه دوران رضا شاه را نادیده گرفته و روش مقتدرانه او را بهانه کرده، رژیم شاهی را تقبیح و شاهان گذشته را بعضاً موجب سرافرازی و افتخار ایران بودند به باد ناسزا گرفتند. از جمله «انوشیروان ساسانی» که در تاریخ به عدالت و دادگری معروف بوده ظالم و ستمگر معرفی کردند.

داستان کشتار مزدکیان را بزرگتر از آنچه بوده جلو داده و زنجیر عدل انوشیروان را که قرنها ورد زبان خاص و عام بوده، ساختگی قلمداد کرده و میهن دوستی و عشق وطن را به مسخره گرفتند، بطوریکه توالی شاعر با ذوق شیرازی که خود زمانی عضو حزب توده بوده میگفت :

ترسم ز فرط شعبده چندان خرت کنند تا داستان عشق وطن باورت کنند  
زنجیر عدل و قصه نوشیروان و خر آورده اند تا به حقیقت خرت کنند

عدل انوشیروان قرنهاست که در تاریخ ایران عنوان خاص داشته و ادبا، شعرا، بزرگان و مورخین همواره آنرا به نیکی یاد کرده اند.

از پیامبر اسلام آورده اند که گفته است:  
(در زمان پادشاهی دادگر زاده شدم) که منظور انوشیروان عادل بوده است.

سعدی شیرازی، استاد سخن از انوشیروان به نام «دادگر» یاد میکند. آنجا که در ستایش از ابوبکر زنگی میگوید :

سزد گربه دورش بنام چنان که سید به دور انوشیروان

در جای دیگر میگوید :

بعد از هزار سال که نوشیروان گذشت گویند از او هنوز که بوده است عادل

باز هم میگوید:

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

داستان زنجیر عدل انوشیروان معروف است و در کتاب «سیاست نامه» خواجه نظام الملک نیز از آن یاد شده است.

## درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند، خواهشمندیم

چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک «چیس» رفته،

یارانه ی خود را به شماره حساب ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزند

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Account #421-334675-6

مهر افزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



۱- بهدینان گات هایی همان زرتشتیان اوستایی هستند که به نادرستی، غرض ورزی و نا آگاهی مغ و مجوس نامیده میشوند.

۲- کتاب دینی (مقدس) بهدینان گاتها ست که بدون هیچ شک و تردیدی بازمانده ی پیام های زرتشت است و در مجموعه ای کوچک در وسط یا در قلب یسنا قرار داده شده تا از دستبرد محفوظ بماند و به صورت نظم است این مجموعه نه آسمانی است نه کلام و احکام خداست، نه الهام وحی. بلکه بری از احکام شرعی، قصه گوئی، تاریخ نویسی و امر و نهی هاست پیام زرتشت بر پایه خرد و بینش دانایی و آگاهی بنا شده و با مهر، نیک خواهی و همدردی توام است و با وجود آنکه، آئین کردار و تلاش و ستیز با بدی و کژی است، از پیروزی و خشونت جنگ و ستیز و کشتار نشانی در آن دیده نمیشود. در سرتا سر سروده های زرتشت، چون هر خردمند فرزانه ای سعادت و سلامت جامعه و پرورش انسان با تقوی و پرهیز کار بوده است (و نه احشام و اغنام) که به باور زرتشت با آگاهی و دانایی آزاد میتوان به آن دست یافت. جالبترین توحید و تقوی و هدف دین در پیام زرتشت همین است و بس.

۳. وندیداد کتاب مغان یا مجوسان است که با زیرکی تمام آن را در وسط اوستا (بخشی از اوستا) قرار داده و ۸۲ واژه ی گاتها یی را در آن جا سازی نموده اند تا هم از فشار آترونها را به خود بکاهند و هم حقایقی به کتاب خود داده باشند.

۴. شماری از صفات باورها و سنن مغان: این اقوام و سواس زیادی در پاکیزگی از هر نوع داشتند که از جمله آنها یکی هم دخمه گذاری بود و در این باور بسیار پافشاری میکردند تا به زمین و محیط زیست و آب آسیمی نرساند. پارس ها (زرتشتیان) مرده های خود را دفن می کردند و یا می سوزاندند. قربانی کردن چارپایان (به ویژه حیوانات مفید) و سواس در کشتن حشرات مضر (خرفستر) پرستش آتش، ثنویت مطلق ارثی نمودن کھانت، تولید و استعمال هوم ( عصاره گیاهی است خواب آور) رفتار خشونت بار با افرادی غیر از مغان مزدایی، زیر فشار نهادن دولت ساسانیان برای اضافه کردن مقوله ثواب (کرفه) و گناه (ونا) اجباری نمودن و حفظ وندیداد (کتاب مغان یا مجوسان) تغییر مکان زایش زرتشت، حذف نام پارس از کتاب وندیداد، مخدوش نمودن مرگ طبیعی زرتشت، شمار دیگری از صفات و کردار های مزدوم آنها بود یکی از کارهای بسیار نیک مغان، حفظ و نگهداری گاتها بود که ما این کردار نیک آنها را در تاریخ ثبت خواهیم نمود و می ستاییم. یاد آور میشود که برای دست یابی به دیدگاه ها، آگاهی ها و بازیافت های دانشی ایرانیان باستان باید سرچشمه های اندیشه و باور های کهن تر را جستجو نمود. زمانی که راجع به ادیان ایران باستان و به ویژه زرتشت و آموزه های او صحبت میشود بهتر است باگفته های دیگران مقایسه شود تا ارزش هر کدام از سر چشمه آنها معلوم گردد. از بخت بد بیشتر دست نوشته های ارزشمند کهن و باستانی همراه با پیشینه ی والای دانش ما در هجوم خون بار و ویرانگر و شوم بابلیان اسکندر یان (یونانیان)، تازیان، مغولان تاتاران و ترکان به آتش یا آب سپرده شده و یا توسط دزدان عتیقه به خارجیان فروخته شده. حتی این خارجیان در تحریف نوشته های ما و تصاویر از هیچ راهی کوتاهی ننموده اند. نمونه آنها،

نگاره فروهر است که غربیان با اختراعی جدیدشان آن را اهورامزدا پنداشته و با عمری کمتر از ۲۵۰ سال آن را چهار هزار ساله پنداشته و کوشش کرده اند به آفریده گار زرتشت ربط دهند. بی این وجود تاریخ و فرهنگ و تمدن کشور را نباید در این نمونه نوشته های چند نفر غربی یا شرقی جستجو نموده و چشم بسته آنها را پذیرفت. من باور دارم که اینست پیشرفت در پژوهش و انتقاد سازنده برابر پس رفت و واماندگی است.

پایان - اول ژانویه ۲۰۰۸ مطابق ۱۱ دی ماه ۱۳۸۶ منابع:

کتاب های زیر به خوانندگان علاقه مند کمک خواهد کرد:

۱. ترجمه های فارسی گاتها (دکتر علی اکبر جعفری، دکتر پیروز آذرگشسب و پروفیسور شوشتری)
۲. کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام نوشته دکتر احمد تفضیلی و ژاله آموزگار
۳. آئین مغان: چاپ تهران هاشم رضی
۴. سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروشیان - نوشته کتایون مزداپور، رویه ۴۸۵ نوشته برزو پرستار

یادداشت ها:

اگر کسی در مسال مغان به ژرفی بنگرد درمی یابد که به معنی ظاهری واژه ها هیچ اعتباری نیست. پذیرا شدن آئین زرتشت در نیمه ی غربی امپراطوری ایران و تغییرات زیاد در آئین والای زرتشت از دستاورد مادهای غربی magi می باشد که نه در کشور ماد بلکه در تمام بخشهای ایران و نیمه غربی کشور هخامنشی می زیسته اند. messina دانشمند و پژوهشگر هندی باور دارد magi که پیروان اولیه زرتشت بوده اند ولی بیشتر پژوهشگران آن را به علل زیر رد میکنند.

واژه magus یونانی فقط یک بار در اوستا پسین به صورت magu و در وندیداد هم یک بار به صورت moghu ارائه شده که هر دو اینها با واژه گات هایی maga هم در گفتار و هم در نوشتار و معانی در تضاد است. حرف غ (gh) در گاتها وجود دارد و اگر منظور زرتشت Moghu بود، مسلماً آن را این طور منظور میداشت.

۲. هرودوت میگوید: مغ ها یکی از قبایل شش گانه مادها بودند و باور کردن اینکه اوستا (نه وندیداد) نوشته آنها است نادرست و غیر علمی و غیر منطقی به نظر می آید (دلایل زیاد دیگری موجود است که به این فرضیه کمک می کند ولی از بحث ما خارج است) با در نظر گرفتن تمام جنبه ها میشود اظهار نظر کرد که دستبرد در اوستا و نوشتن و انتشار کتاب وندیداد از کارهای مغان غربی (magi) بوده است. مغ ها در حقیقت قومی بودند که در ایران، پارت، بلخ، خوارزم، مارسکا (سیستان فعلی) نواحی غیر ایرانی نشین مانند عربستان (هجاز سابق) و اتیوپی و مصر و سراسر آسیای کوچک پراکنده بودند. فرقه ایی از این مادها که با سحر و جادو و ستاره شناسی و غیر سروکار داشتند magi یا مغ نامیده میشدند. که تشخیص آنها بسیار مشکل بود ولی از نظر وظایف باورها و سنت و غیره از مادهای شرقی متمایز بودند. (نگاه شود به ره آورد شماره ۶۳ رویه ۲۶۰ به بعد تحت عنوان اختر شناسی و رصد در ایران باستان و تاثیر آن در جهان نوشته اینجانب).

در گاتها با واژه maga روبه رو میشویم که از ریشه فارسی مه جدا شده و اگر با پسوند (وا ن) به پیوند واژه مگون یا magavan درست می شود در مقابل دو واژه فوق در نوشته های پهلوی، واژه ای

این چهار واژه تقریباً مشابه با معانی متفاوت باعث سو تعبیرهای زیادی است.

به طور خلاصه میشود گفت: روحانیان ماد غربی و مگون ها همان مگون های زرتشتی هستند ولی magi کاهنان تمام امپراتوری ایران و کشور های دیگر با مذاهب و باورهای مختلف بودند که به جهت تشابه به واژه ای و نا آگاهی مردم هویت آنها نیز عوض شده. ممکن است زمانی مگه ون ها (پیشوایان و پیروان اولیه زرتشت) با magi کاهنان امپراتوری و جاهای دیگر (کلدانی، بابلی و غیره) تماس گرفته باشند که آنها نیز نام زرتشتی را برای خود اقتباس کردند و بدین وسیله زرتشتیان را با نام مجوس آوردند. بعضی از مگی ها تحت تاثیر ستاره شناسی کلدانی و بابلی واقع شدند که به عنوان ساحر و جادو شناخته شدند. اینان هیچ گونه وجه اشتراکی با مگه های زرتشتی ندارند. به نظر می رسد که پرستندگان دیو (مشرکین - بت پرست ها و غیره) و پیروان راه دروغ نیز مگی های خودشان را داشتند که نه مورد پذیرش زرتشتیان، بلکه مورد نفرت آنها قرار داشتند. (همچنین برای آگاهی بیشتر نگاه شود به اوستا و تفسیر آن در راه آورد ۶۵ نوشته اینجانب)

۳. برابر نوشته کتاب سوم پژوهش دانشگاه کمبریج، گرد آورنده دکتر یارشاطر و ترجمه حسن انوشه، چاپ امیر کبیر تهران سال ۱۳۸۱ رویه ۲۷۲: از سیر باورهای هندوستان بویژه خورشید پرستی آنها معلوم میشود که در این باور نیز پای گروهی از مغانی در میان است. اینان با تاخت و تاز های سکاها در میانه سده یکم پیش از میلاد به هندوستان رفتند و با اینکه کشتی Aavyang میبستند و موبد بودند اما زرتشتی نبودند. فرتی های یهودی و هندوها نیز کشتی دارند که به نظر می رسد این مغان آنرا اشاعه داده اند.

۴. رویه ۳۰۶ در کتاب بالا: به نوشته کرتیر ایهیرپتان (هیربد = auapat) روحانیانی از طبقه دوم بودند که وظیفه آموزش گاتهایی و نگاهبانی آتش به دانها سپرده شده بود اینها آترونها ی زرتشتی بودند که شرح داده شد از آنزمان به بعد واژه ایهیرپت به اشتباه با واژه مغ و مگوس شبیه گردید. به همین جهت یونانیان در نوشته کعبه زرتشت هیربد را مگوس (مجوس) ترجمه کرده اند. معنای راستین ایهیرپت دانشمند است در صورتیکه مگو پت (سرکرده مغان) در سنگ نوشته ها به معنی مگی است که بر مغان دیگر ریاست میکند. ساده تر اینکه مغ ها افرادی بودند با باورهای مختلف در خدمت ادیان مختلف بهترین راه کار برد واژه درست بزرگان مغان (به جای مغان و انجمن مهستان به جای انجمن مغان است).

**چاپ کتاب،  
سالنما  
با بهترین کیفیت و  
کمترین بها**

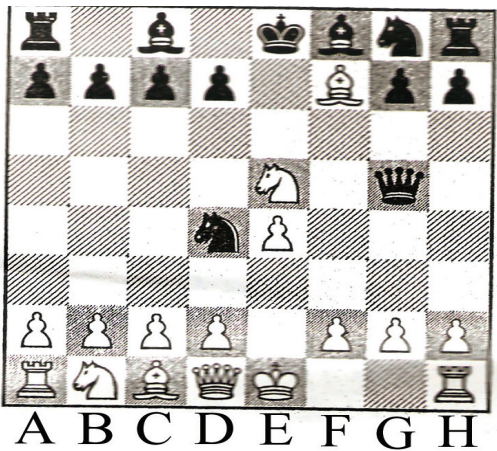


**شرکت چاپ آنلاین**

Tel: (818) 854 - 6323  
Fax: (818) 854 - 6325  
Email: Unlimitedprinting@yahoo.com

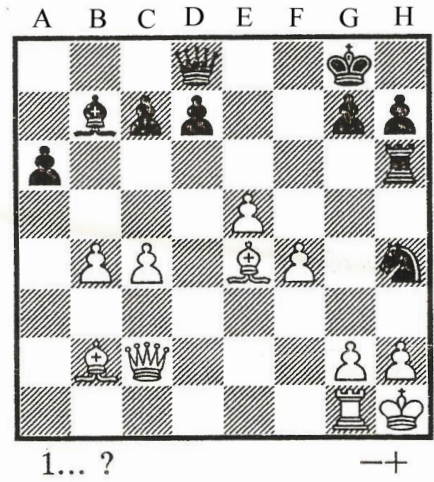
## هوشنگ مهر خداوندی

شکل شماره ۱



۸ پیشنهاد خود را با دفتر مجله  
۷ یا مستقیماً با من در میان بگذارید  
۶ در پایان هر مقاله یک موقعیت چاب،  
۵ خواهد شد که از خوانندگان علاقه‌ما  
۴ به شطرنج تقاضا می‌کنم که بهترین  
۳ حرکت را پیدا کنند خوبی این برنامه  
۲ در این است که علاقمندان را وادار  
۱ بررسی حرکات ممکن می‌کند و از این  
لحاظ به قدرت تجزیه و تحلیل آذ  
کمک خواهد کرد. و اما مساله امر و  
مهره‌ها را مانند شکل قرار داده و  
بهترین حرکت سیاه را مشخص کنید.

شکل شماره ۲



سیاه  
شاه H1  
وزیر D8  
رخ H6  
فیل B7  
اسب H4  
پیاده A6, C7, D7, G7, H7

سفید  
شاه H1  
وزیر C2  
رخ G1  
فیلها E4-E2  
اسب H2, G2, F4, C4, B4  
پیاده C7, D7, G7, H7

شکل شماره ۲

قرار دهیم. سیاه یا E7-E5 جواب  
میدهد حرکت بعدی سفید بردن اسب  
به خانه G1 به F3 می‌باشد. سفید با  
این حرکت ۲ کار خواهد کرد. ۱- حمله  
به سرباز E5 و دیگری گسترش  
دادن مهره‌ها. سیاه نیز با حرکت  
دادن اسب خانه B8 به خانه C6 هم  
از پیاده دفاع می‌کند و هم گسترش  
خود را آغاز می‌کند. سفید در ادامه  
کامل کردن گسترش مهره‌هایش فیل  
F1 را به C4 میبرد. با این حرکت  
قصد حمله به پیاده F7 سیاه را دارد.  
در این بازی سیاه که بازیکن باتجربه  
ای است، با حرکت دادن اسب خود  
به خانه D4 پیاده E5 خود را به  
سفید پیشنهاد می‌کند به امید اینکه  
سفید به طمع افتاده و پیاده را بگیرد  
و از لحاظ مهره ای یک پیاده برتری  
داشته باشد.

### شکل شماره ۱

به محض گرفتن پیاده توسط سفید  
سیاه ماموریت خود را پایان یافته  
می‌بیند و با آوردن وزیر به خانه  
G5 به اسب و پیاده G2 حمله  
می‌کند. سفید فقط ۳ راه دارد. اول  
اینکه با اسب پیاده F7 را بگیرد  
و به رخ و وزیر حمله کند. سیاه  
پیاده G2 را بگیرد و به رخ H1  
حمله می‌کند. سفید مجبور به دفاع  
از رخ می‌باشد زیرا با از دست  
دادن آن در حرکت بعدی مات  
میشود. سفید رخ را به F1 می‌برد  
و سیاه با وزیر پیاده E4 را  
می‌گیرد و سفید را کیش میدهد.  
سیاه با بردن فیل به خانه E2 از  
شاه محافظت می‌کند (اگر با وزیر  
محافظت کند سیاه با اسب وزیر  
را می‌گیرد و بازی پایان خواهد  
یافت) حال سیاه با قرار نهادن  
اسب به خانه F3 و دادن کیش به  
شاه سفید شاه را مات می‌نماید.  
دوم گرفتن F7 با فیل و دادن کیش  
به سیاه می‌باشد. شاه سیاه به  
خانه D8 می‌رود (هنوز خطر گرفتن  
G2 وجود دارد). سفید اسب را  
به G4 می‌گذارد و سیاه با حرکت  
دادن دیگر اسب خود به H6 یک  
سوار از سفید جلو می‌افتد. سوم  
اگر سفید پس از گرفتن پیاده E5  
به F3 باز گردد. سیاه پیاده G2 را  
می‌گیرد و به پیاده E4 و رخ H1  
حمله می‌کند که برای سفید دفاع  
کردن از هر دو مهره غیر ممکن  
می‌باشد. پس توجه داشته باشید  
هر چیز و مهره را رایگان نگیرید.  
در قسمتهای بعدی به دامهای  
بیشتری خواهم پرداخت. در ضمن  
دوباره یاد آوری کنم سوالات و

## ویژه بهار جول ۱۲ از خداداد خدابخش

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴

### افقی:

- ۱- اینهم گذشت و بهار پشت سر دارد. ۲- پاکی تن و روان در دین و روان در دین زرتشت- همه گیر- بهشت شداد. ۳- شبیه لپه است. ۴- آتش- هرچیزی را می‌خواهد. ۴- گردو- خانم لباس تازه خریده. ۵- با تغییر حرف اول: بادروند دوستی دارد- آخر- مدرک- از اعضای بدن. ۶- پارچه ایست- پیروزی- ته لباسی است از پارچه پنبه ای زرتشتیان. ۷- تکرارش درختی است- با حوصله و یواش- دریایی است. ۸- یک نوع کلاه برداری- دورویی- سه یار تنوری. ۹- به خداوند هم اطلاق می‌شود- بیشتر با گفت همراه است. ۱۰- این روزها برای مرد زحمتی شده- ای خدا (خداوند) ۱۱- نوعی پیش خوراک شبیه اوت میلی خشک- این نیست- - لخت هم معنا می‌دهد ۱۲- حرف اول را عوض کنید تا تنفر معنی دهد- دوست بافنده. ۱۳- عریان. تعجب زنانه- پول غیر قانونی دادن یا گرفتن- مجلس ریش سفیدان. ۱۴- اعراب- مال و ثروت.

### عمودی:

- ۱- بر شما مبارک باشد. ۲- نام آوران- مصنوعی آن هم فراوان است. ۳- اینهم بر همه ایرانیان مبارک باشد. ۴- حرف آخر را نادیده بگیرید نام یکی از بزرگان صنعت در هند و زرتشتی ایرانی الاصل است. ۵- در آن نباید خیانت شود- همه را شامل می‌شود. ۶- خستگی ناپذیر- شمیران بود شد شبیه آن. ۷- سلام- فراوان- فکر عاقلانه. ۸- ادب‌تور- محکم نیست. ۹- سرکج- تراوش. ۱۰- بندی که از جلال باشد- کلمه انتخاب- از اجزای آجیلی. ۱۱- موز. ۱۲- بیشتر در خیابانهای پر ترافیک اتفاق می‌افتد- از آفات گندم. ۱۳- عصب و عصبانی- دشتی در فارس- روی ریل حرکت میکند. ۱۴- پاکستان

# جنبش خرم دینان - بابک خرم دین

چنانچه روشن و آشکار است خرم دینی نام دین تازه ای است که در سده دوم هجری در ایران آشکار شده و شاید بازماندگان مزدکیان که از زمان ساسانیان در جاهای دور افتاده ایران زندگی میکردند بوده باشد در مجمل التواریخ و القصص آماده است که مزدک را زنی بوده که نام او خرمة بنت ناده بوده که بعد از کشته شدن مزدک به روستایی رفته و مردم را بدین مزدک خوانده و از آن پس آنها را خرمة دین خواندند و مزدکی را رها کردند. خرم دینان به دو گروه تقسیم شده که نخست جاویدانیان پسر شهرک و دوم بابکیان یا بابکیه پیروان بابک باشند.

از اندیشه ها و روش خرم دینیان آگاهی درست در دست نیست و آنچه از ایشان میدانیم نکته هایی کوتاه که آلوده به تهمت در گفتار تاریخ نویسان می باشد و در این گفته ها برخی آنها را از مزدکیان دانسته زیرا به تناسخ عقیده دارند. (یعنی بازگشت روح) و برخی آنها را ابومسلمیه یعنی پیروان ابومسلم و گروهی آنها را از صوفیان دانسته و در ضمن برای پیش برد دین و روش خود از هیچگونه کشتار و خونریزی دریغ نکرده و دشمنی بسیار شدیدی بر تازیان و دینشان داشته اند با سرخ علمان گرگان و طبرستان و سفید جامگان ماوراالنهر هم اندیشه بوده اند.

نظام الملک در کتاب سیاست نامه در باره خرم دینیان می نویسد (روشن مذهب ایشان آنست که رنج از تن خویش برداشته ترک کارهای دینی گفته چون نماز و روزه و حج و زکوة و حلال داشتن مشروب و مال و زن مردمان.

خرم دینان علاوه در آذربایجان در جاهای دیگر

بخصوص در مرکز اصفهان، خراسان، فارس و کرمان و کاشان و نهاوند و قم و اصفهان و مرکز اصلی شان همدان بوده و بیشتر در روستها و کوهستان ها زندگی میکردند و هرگاه فرصت می یافتند مخالفان را بی خبر یا در میدان جنگ میکشیدند. چنانکه آشکار است مذهب خرم دینی شامل دو عنصر اصلی بوده است. نخست عنصر ایرانی پیش از اسلام که برخی از روشهای مزدکی ها و عنصر دوم یک عنصر ملی پس از اسلام که در گوشه و کنار این سرزمین ایرانیان میهن پرست برای کوتاه کردن دست توانا و بیدادگری خلیفه های تازی پیا خوسته اند و این جنبش جاویدان و بابک مانند جنبش های بهافرید، ابومسلم سنباد، مقنع، گرامیان و سفید جامگان می باشد.

مقدسی مینویسد خرم دینان از ریختن خون جز در هنگامی که علم طغیان برافرازند خودداری میکنند. به پاکیزگی بسیار عقیده دارند، با نرمی و نکوکاری با مردم رفتار میکنند، اشتراک زنان را با رضایت خود آنها روا میدانند.

ابن ندیم - خرم دینان را از پیروان مزدک میدانند و میگوید بهمدیگر زورگویی نداشته، در زن و خانواده با هم شرکت میکنند و به کردار نیک و ترک آدمکشی و آزار نفوس باور داشته، در میهمانی ها رفتاری از خود نشان میدادند که در هیچ ملتی دیده نشده، باور به تناسخ یکی از پایه های باورهای آنهاست بیشتر دسته هاییکه سپس از اسلام بر ضد تازیان برخاسته اند به آئین تناسخ پای بند بوده اند چون میخواستند خود را جانشین قهرمان های گذشته قلمداد کنند و یادگار دلاوران دیرین را زنده کنند

، آشکار است که پیش از بابک کیش خرم دینی وجود داشته و بابک در پیش برد آن کوشیده و آنرا به بالا ترین شکوه و نیروی خود رسانیده است.

نخستین بار که نامی از خرم دینان در تاریخ پیدا شد در سال ۱۶۲ هجری در موقع خلیفه مهدی بود که با طنیان گرگان که معروف به سرخ جامگان بودند با خرم دینان دست به یکی کردند و گفتند ابومسلم زنده است.

جاویدان پسر شهرک پیشوای خرم دینان پیش از پیدایش بابک بوده که بسیار جنگجو و پولدار و با نام و نشان و گوسفند دار بوده است. روزی مقداری از گوسفندان که در حدود ۲۰۰۰ عدد بوده به شهر زنجان برده و میفروشد و هنگام برگشت چون فصل زمستان بوده گرفتار برف و سرما ی سختی میشود، تصمیم میگیرد به خانه فقیر ترین از مردم ده برای گذراندن آنشب مراجعه کند، وقتی درب خانه را میزند. جوانی که میهمان بابک بوده در را میگشاید، جاویدان میگوید، ما عده مان ۶ نفر است و اجازه میخواهیم امشب را اینجا بمانیم، بابک قبول می کند و مشغول تمیز کردن اتاق و خانه میشود و مقداری چوب و هیزم را در تنور وسط اتاق میریزد، بعد جاویدان مقداری پول به بابک میدهد که برایشان خوراکی تهیه کند، بابک برای تهیه خوراکی میرود و مقداری نان و پنیر و کره و عسل و تخم مرغ میاورد و همان پولی که جاویدان داده بود را به او پس میدهد. جاویدان میپرسد چرا پول را خرج نکردی، بابک میگوید من در اینجا دوستانی دارم که این چیزها را برای کمک در اختیار من گذاشتند و من هم به موقع به آنها کمک می کنم. جاویدان می گوید

مرا می شناسی من خرم دین هستم. بابک می گوید منم از خرم دینان هستم. مادر، پدر و برادرم همه از خرم دینان هستیم. جاویدان میبند جوانی بسیار برازنده و سلحشوری است به مادر میگوید بابک را به او بدهد تا در دوستی او و یاران باشد مادر بابک قبول می کند. جاویدان مقداری پول برای خرجی به مادر بابک میدهد و بابک را با خود میبرد. نام پدر بابک مرداسی بود که روغن فروشی میکرد و مادرش زن یک چشم و اهل مداین بودند پدر بابک در یکی از سفر هایش که در کوه سبلان میرفته، به وسیله شخصی که با او دشمن بوده زخمی میشود که در اثر آن زخم فوت می کند که مادر برای دایه گی و شیردادن به بچه ها به خانه ها میرفته و مزدی میگرفته تا بابک ده ساله میشود و برای گروهی گاو چرانی میکرده است.

روزی مادر برای دیدار فرزند میرود میبیند که بابک لخت زیر درختی خوابیده و زیر هر مویی از سینه اش خون نمایان است که وقتی بلند میشود آثاری از خون دیده نشد. بابک تا سن ۱۸ سالگی با مادرش در کوهستان (بذ) زندگی میکرد.

مقدسی مینویسد در این

کوهستان (بذ) گروهی از خرم دینان بودند که دو پیشوا داشتند یکی جاویدان و دیگری عمران که این دو نفر همواره بر سر ریاست بر خرم دینیان با یکدیگر در جنگ و ستیز بودند و جاویدان در اثر زخمی که در این جدال برداشته بود فوت می کند و چون بابک در گرہ جاویدان بود و زن جاویدان دل در گرو بابک داشت و همینکه جاویدان را مرده دید به بابک گفت برای سر بلندی تو که به حق شایسته آن هستی فکری اندیشیه ام و آن اینست که فردا پیروان جاویدان را در یک جا جمع نموده می گویم جاویدان قبل از اینکه جهان را بدرود گوید به من گفت من امشب می میرم و روحم به کالبد بابک دراید و او خود را و شما را به چنان پایه بلند کند که کسی به آن نرسد. بابک از این گفته به طمع افتاد و این پیش آمد را به فال نیک گرفت و خود را برای آن آماده ساخت.

دنباله دارد

کات ها سروده های زرتشت

ای اهورمزدا،  
باشد که از آن تو باشیم،  
و از کسانی باشیم که جهان را تازه  
میگرداند.  
زمانی که خرد دستخوش سستی و  
نااستواری است،  
راستی به یاری ما می آید  
و اندیشه ما را به هم نزدیک  
میگرداند.  
یسنا ۳۰ بند ۹

در ماه مارس فرمهای سر شماری ۲۰۱۰ آمریکا را دریافت فوایم کرد. زمان را از دست ندهیم، آمار در آمریکا ۱۰ سال یکبار انجام خواهد شد. فرم سر شماری که فقط ۱۰ سوال دارد پر کنید و توجه بفرمایید. به سوال شماره ۹ در قسمت نژادهای دیگر علامت بزنید و بنویسید Iranian - American or Iranian - American در مورد آمار اگر تعداد ما ایرانی بیشتر باشد از مزایای بیشتر اجتماعی برخوردار فوایم شد در ضمن فرم سر شماری فقط مربوط به اداره آمار می باشد و به جای دیگر داده نخواهد شد. یادآور می شویم که هیچگونه فرم سر شماری را در کامپیوتر پر نکنید که قابل اعتماد نمی باشد.  
سازمان سر شماری آمریکا



## نوروز میرسد

توران بهرامی شهریاری

نوروز خجسته پیروز می رسد  
این دلنواز جشن دلافرز می رسد  
فرخنده باد برهمگان مقدم بهار  
نوروز جاودانه ترین جشن روزگار  
یادآور گذشته ی ایران نامدار  
همراه با شکوفه و گل های نوبهار  
خورشید گرم تاب و نوازشگراز سپهر  
برچهره زمین چو زند بوسه ها به مهر  
نوروز از در آید زیبا و خوب چهر  
گوید ز سبزی و طرب و تازه ساختن  
بیداری و دل آگهی و خود شناختن  
آهنگ زندگانی و شادی نواختن  
نوروز روح شادی و شوق شکفتن است  
روییدن و دمیدن و از عشق گفتن است  
گلبنگ عاشقی ز هزاران شنفتن است  
افسردگی و سردی دوران نهفتن است  
شورآفرین چو گرمی و نیروی جان بود  
آغاز اعتدال زمین و زمان بود  
رازی به تار و پود وجودش نهان بود  
پیر زمانه هست ولیکن جوان بود  
در سال های تیره و تاریک این دیار  
نوروز، با شکوه و سرفرازی و وقار  
چون مادری نژاده و زیبا و استوار  
افراشت سر به شادی مردم ز هر کنار  
خوارزم و بلخ و مرو سمرقند و چارجوی  
هر یک به رسم و سنت نوروز کرده خوی  
زین جشن باستان همه دارند گفتگوی  
برآستان پر گل او آورند روی  
قفقاز و گنجه، باکو و شروان و هم آران  
شادند از رسیدن نوروز باستان  
میراث و یادگار نیاکان و رفتگان  
کوشند هر یکی پی اعزاز آن به جان  
جشنی ز ژرفنای قرون و هزاره هاست  
شهنامه را به دوره ی جمشید اشاره هاست  
ماهی فروغمند میان ستاره هاست  
فرخنده باد بر همه گان مقدم بهار  
نوروز جاودانه ترین جشن روزگار  
یادآور گذشته ی ایران نامدار  
همراه با شکوفه و گل های نو بهار  
ایران ، بمان همیشه سرفراز و کامکار

## زایش زرتشت

احمد علزاده یزدی

منم زرتشت و آیین منست این  
نه با کس دشمن و نی در دلم کین  
چو باران بهاری من ببارم  
به هر دشمن و چمن باغ و ریاحین  
پیام آور ز یزدانم به مردم  
به گفتار خوش و چشمان خوش بین  
گاتهایم کتابی پر سرود است  
چو بردوش فلک یک طوق زرین  
بود چون خرمی پر از گهرها  
بخوان آن را و از آن خوشه برچین  
سه پندم روشنی بخش جهانست  
درخشان و جاودان چون ماه و پروین  
سه پندم را نما آویزه گوش  
که تا روشن شود بر تو جهان بین  
زیندارنکو نیکو شود کار  
چه پنداری تو دانی بهتر از این  
نکو کاران به دنیا جاودانند  
بماند نامشان چون نام نوشین  
ز گفتارنکو آرام گردد  
کشاکش ها و دعوا های ننگین  
ز کردار بدت او باز دارد  
همانند حصار باغ و پرچین  
به گوش دل شنو این راز «احمد»  
که گفتار رسولان نیست جز این  
خدا را بنده باش و نیک اندیش  
نکو کوش و نکویی کن به هر دین  
دروغ و اهرمن را باش دشمن  
ره حق گیر و راه راست بگزین  
وطن را همچو جان دارش گرامی  
که هست مهر وطن دستوری از دین  
مبر از یاد خود رسم نیاکان  
که میراثی نباشد بهتر از این  
مبارک بادت این فرخنده «نوروز»  
که برجا مانده است این رسم دیرین  
اهورا جاودان یار تو باشد  
سعادت همره کام تو شیرین  
ز یزدان دارد این امید «احمد»  
ز باغ زندگی باشی تو گل چین

## بهار آمد

زمستان رفت و از نوجشن نوروز و بهار آمد  
گل آمد بلبل آمد لاله های لاله زار آمد  
هزاران مرغ خوش خوان بر سر سرو چنار آمد  
گل سرخ قشنگی بر درختان انار آمد  
یکی باران پر نعمت ز ابر نو بهار آمد  
طراوت بر دل دشت و زمین و سبزه زار آمد  
زمین و آسمان گلگون، هوای مشکبار آمد  
چون زرتشت پیمبر زاد روزش در بهار آمد  
دروید پیروانش بر ابرمردی  
که عنوان ابرمردی به نامش افتخار آمد  
اردشیر ماندگاری

**کوروش کبکسرو شاهرخ**



- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

ENCINO OFFICE PARK II  
6345 Balboa Blvd. Suite 232, Encino, CA 91316

Tel: (818) 996-7301  
Fax: (818) 996-7302

**مهدی دهقان یزدی**  
**و همکاران**

**بهترین زمان برای خرید املاک**  
**مصادره شده بانکها**

**خرید و فروش**  
**املاک مسکونی**

شخصاً  
مبلغ خرید و فروش منزل  
شماره را در هر کجای دنیا به  
شما تحویل می دهیم

www.MaxMahdi.com  
maxmehdi@hotmail.com

**949.307.4330**

Lic# 01790160  
12/2010

را برگزینند این شهریاری خوب و برگزیدنی را «وهو خشترو وییریو vohdu khshathra vairyo» نامند.

هنگامی که انسان با بهره گیری از منش نیک و هماهنگی کامل با اشا یا اشویی زیستن و پاک و پاکیزه بودن در اندیشه و گفتار و کردار خود، به نیکی برخورد و سرکشی های سهش های ویرانگر خود مانند زیاده خواهی، کینه جویی، خشم و مانند آنها چیره شده و راه میانه و راست را در پیش گرفت و به آرامش و آسایش در تن و روان دست یافت، آنگاه است که آفرینندگی نیک و سازنده در او شکفته گشته و به نوسازی و پیشرفت همیشگی خود و جهان به سوی تکمل و رسایی خواهد پرداخت. تکاملی که در فرهنگ ما به آن «هیورواتات haurvataat» یا خرداد گفته میشود، بدین چم که انسان نمونه ی ایده الی از پیشرفت و رسایی میگردد و پس از آن دیگر برگشت پذیری و کاهش یابندگی (انگزه) جایی نداشته و تنها افزایش و پیشروی همیشگی (سپنتا) است به سوی جاودانه شدن یا «هیورواتات امرتات haurvataat ameretaat».

واپس گرایی، کهنه پرستی و خشک اندیشی در آرمان زرتشتی ناستوده و ناشایست است. انسان شایسته است که پیوسته در کار نوآوری باشد. زندگی بدون آفرینندگی تیره و خاموش و مرگ آور است. کاشتن یک گل یا درخت تا نوشتن یک نوشتار و یک کتاب، ساختن یک آهنگ و ایجاد یک هنر، زادن یک فرزند و برداشت یک فرآورده، همه و همه خدمت و یاری به آفرینش است. تنها زندگی ای شکوهمند و سرشار و زنده است که در آن همه نیروهای انسان به کار می افتد و هنر و نوآوری و شادی و خوشبختی تا جنب و جوش، کوشش و پویا همه جا را فرا می گیرد.

«پروردگارا بشود مانند کسانی شویم که جهان را به سوی رسایی و آبادی به پیش میبرند»  
 اهنود گات هات ۳۰، بند ۹  
 جامعه ی انسان نیز که چون از انسان ها به هم آمده است دارای همان کارسازها با مکانیسم ها بوده و همان ارزش ها در آن برپاست. یک جامعه ی خشتراپی که تمام یگان های به هم آورنده ی آن از، سر تا پای آن هماهنگ با هنجار اشایی کار میکنند به آرامش و شادی دست یافته و در آن آرامش به سوی بهبودی و بهزیستی به پیش میرود.

این جوامع، که رویهم آنها جامعه ی جهانی است بر پایه ی خانواده، برزن، شهر، کشور و جهان استوار است. برای داشتن یک جامعه سالم جهانی باید نخستین پایه های اجتماعی یا خانواده را سالم بنیان گذاشت و سپس کوی برزن و شهر و کشور را ساخت تا به جهان رسید.

امرتات یا مرداد، که سوی پیشرفت می باشد، آن چگونگی (وضعیتی) است که همراه است با آگاهی و آرامش و شادی کامل و همجوار با ابر دانای هستی بخش «اهورا مزدا». انسان نیک و پاک و اشویی، انسانی است کامل تر (در سنجه ای انسانی). اینگونه انسانها بیگمان هم بر خانوادده و خویشان خود و هم بر روی جامعه ای که در آن زندگی میکنند هنا یشی (اثری) سازنده و آباد کننده بر جای میگذرانند. فرزندان که در اینگونه خانوادهها پرورش مییابند نام نیک پدران و مادران خود را همواره زنده نگاه خواهند داشت و جامعه نیز هنایش یافته از گفتار و کردار آنان گامهای بیشتری بسوی پیشرفت بر خواهد داشت و نام نیک آنان را در تاریخ خود زنده و جاودان نگاه خواهد داشت.

این، نمود این جهانی جاودانگی و نامیرایی می باشد. جاودانی روان، نمود مینوی امرتات بوده که هستی جاودان است در بهترین چگونگی مینوی یا «اشعه و هیشته»، سرای اندیشه نیک و «گرودمان» سرای سرود و جایگاه والای اهورامزدا. «پارسایانی که در برابر هنجار هستی و راستی و پاکی زندگی میکنند، در مکانی که در پرتو خورشید تو درخشان و منزلگه دانایان است به سر خواهند برد».

سپنتمد گات، هات ۵۰، بند ۲

موبد کامران جمشیدی

### گات ها سروده های زرتشت

سرود پانزدهم - یسنا هات ۵۰

ای هورامزدا - در هنگام سختی تنها پرتو مهر توست که می تواند به روان ما آرامش و آسایش بخشد. آیا جز راستی و پاک منشی که پرتوی از هستی توست چه چیز دیگری به یاری و کمک من و پیروانم خواهد شتافت؟

آرمان دین بهی خوشبختی و رستگاری است که همانا خشنودی انسان و آرامش و آسایش تن و روان می باشد.

دین بهی به ما می آموزد که تنها راه رسیدن به این آرمان پیمودن راه راستی است زیرا راستی و درستی آن حقیقتی است که بر بنیاد آنها زمین و آسمان و هرچه در آنهاست آفریده شده و آفریدگار آنها نیز خداوند یکتا و ابردانای هستی بخش است که اشوزرتشت، آموزگار ما آن را اهورامزدا نامیده است این آفرینش در بنیاد هنجاری پیدایش یافته که قانونی است دگرگون نشدنی و جاودانی، نام این هنجار «اشا» (asha) میباشد.

برپایه این هنجار هر کنشی درهرجای جهان انجام گیرد واکنش مناسب خود را خواهد داشت و از این رو هر کار درست و هماهنگی با اشا نتیجه ی خوب و درست و وارون آن هر جنبش و کاری که نادرست باشد نتیجه ی آن نیز نادرست و «بد» خواهد بود.

ما انسانها نیز که جزیی از این آفرینش هستیم اگر خود را با هنجار هستی (اشا) هماهنگ کرده و اندیشه و گفتار و کردارمان بر آن پایه باشد، خوب و اشون ashavan بوده و نتیجه ی کردارمان نیز خوب و اشویی است. این نتیجه ی خوب، خشنودی آورده و به آرامش می انجامد. آرامشی که میوه ی آن پیشرفت و رسایی (تکمل) بوده و تن و روان را به آرامش و تندرستی رسانده و زندگی آسایش می یابد.

انسان پدیده ای است اجتماعی و برای داشتن زندگی آرام و آسوده نیازمند به داشتن جامعه ای آرام و آسوده است تا همه ی یگان های باشنده در آن بتوانند در این آرامش هنباز (شریک) باشند. بنابراین برای هر زرتشتی این یک نیاز و یک خویشکاری (مسولیت) است تا به آرام سازی جامعه ی خود نیز یاری رسانند.

این خویشکاری، خود جزیی از هنجار اشاست که در پیوند با «انسان اجتماعی» انسانی که دارای نیروی اندیشه بوده و میتواند گزینش کند، دارای مانا (چم، معنا) میگردد. در برابر خویشکاری، آزادی گزینش قرار دارد، بدین مانا که انسان اگر چه آزاد است که از میان راه های گوناگون برگزیند اما باید آگاه باشد که پاسخگوی نتیجه ی گزینش خود خواهد بود. برای اینکه این گزینش ها به درستی انجام گیرد، به دو چیز نیاز است ۱- وهومن یا بهمن، منش نیک یا خرد نیک که نیروی شناسایی و تمیز (درست از نادرست) است.

۲- آگاهی و دانایی: از راه وهومن است که انسان راه را از چاه تمیز داده و بد را از خوب جدا میکند. این نیرو از آغاز خام و نارسا بوده و بایست با تمرینات روانی/ اخلاقی و همچنین به یاری تجربه آن را پخته و آموخته ساخت.

براستی انسان دارای دو گونه نیروی تمیز یا خرد میباشد، یکی خرد گوهری یا ذاتی (آسن خرد) و دیگری خرد دریافتنی یا آموختنی (گوشو سرود خرد).

داوری های از پیش ساخته شده و بی بنیان (پیشداوری) یکی از بزرگ ترین بلا های بشری است. یکی از چیزهایی که در فرادیدگری های (تصمیم گیری) درست در زندگی یاری می رساند و ما را به پیش میبرد آگاهی و برداشت درست از هنجار اشا است.

یکی از گزارش های شایسته ای که برای اشا شده است این است که: اگر کار در زمان درست و مکان درست و با ابزار درست و به درستی انجام گیرد، نتیجه نیز درست خواهد بود. هر کدام از این ها اگر در جای درست خود نباشد، نتیجه درست و رسا نخواهد بود. از همین روست که به آن قانون دقت یا (precision law) نیز گفته می شود.

مهمتر از همه این است که بدانیم هر کار انجام شده در کارنامه ی کارکردهای ما در زندگی نوشته شده و هنایش (اثر) خود را به جای خواهد گذاشت. کردار های خوب و انسان دوستانه و آرامش خواهانه به ما آسودگی وجدان و خشنودی بخشیده و واژه گون آن نتیجه زیان بار خود را نه تنها روی خود ما بلکه بر روی تمامی جهان هستی بر جای خواهد گذاشت. به گفته ی دیگر، این همان بهشت و جهنمی است که ما با کرد و کار خود میتوانیم در هر دم درهای آن را بروی خود بازوبسته کنیم.

یکی از بزرگترین درس های اشا، که شاید بتوان از آن با نام «قانون زرین» نام برد میانه روی است. تند روی در هر زمینه ای در جای به کج راهه خواهد رفت و ما را از راه راست به در خواهد برد. برای میانه روی باید بر روی خود و کارکرد سهشهای (احساسات) خود چیره باشیم. این چیرگی برخوردار یا خویشتن داری در فرهنگ بهدینی خشترا khshathra نامیده میشود. برای رسیدن به این چیرگی برخورد و آرامش، روش ها و ابزار های کمی نیز وجود دارند مانند نیایش و همچنین تمرینات تمرکز اندیشه و همترازی (بالانس) تن. کسی که از وهومن برخوردار بوده و هماهنگ با اشا زندگی کند نیک کردار و سازنده میباشد.

انسانهای آزاده و نیکخواه و خشتراپی در هر جامعه ای میتوانند سیستم خوب و دلخواه خود را برای پیش بردن جامعه بنیان گذارند و رهبران اشویی خود



## کارناوال نوروزی در نیویورک سالهای پیش

**جشن نوروز و زادروز اشوزرتشت بر همه  
جویندگان راه راستی فرخنده باد**

دکتر کورش کیخسرو شاهرخ و همکاران

با سپاس از تارنمای  
OSHIHAN.org

### نمایندگی بیمه کسروی

جشن نوروز و خجسته زاد روز نخستین  
پیامبر آریایی زرتشت اسپنتمان را  
شادباش می گوید  
شادمائی و نیرومندی شما آرزوی ماست

۷۱۴-۵۴۲-۳۰۱۴

### آگاهی

برگزاری آیین های شما در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



برگزاری آیین های سدره پوشی، نامزدی، عروسی، جشن زاد روز و دیگر آیین ها و کارهای وابسته به آنها از فرستادن کارت تا پذیرایی و بدرقه ی مهمانان همه و همه را می توانید یکجا برای شما آماده و در دسترس شما گذاشته شود.

بسته ها شامل دکوراسیون، سیارش خوراک، درست کردن سفره، گواہ گیری، فیلم برداری، آماده نمودن همه گونه شیرینی و خوراکی های ایرانی و خوراکی های سنتی می باشد.



برای آگاهی بیشتر با دفتر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا زنگ بزنید

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

## رستوران King Kabob

شعبه Fast Food رستوران دریا South Coast

در شهر آناهائیم جنب Super King افتتاح شد



714-527-4400

10500 Magnolia Ave. Unit B  
Anaheim, CA 92804

www.kingkabobexpress.com

Lunch and Dinner

Dine In • Carry Out

Dinner

Dine In • Carry Out

رستوران King Kabob ارائه کننده انواع لذیذترین کباب ها میزبان شما و مهمانان عزیزتان میباشد

گادر ورزیده و با تجربه رستوران King Kabob در خدمت گیتینگ جشنها و میهمانیهای شما

سرویس، عالی قیمت مناسب و کیفیت برتر





# Esfandgan Festival, Avestan Womenhood

It is creditable that the Tehran Mobed Association has drawn attention to this traditionally auspicious day – Asfandarmad Ruz of Asfandarmad Mah – marked for the felicitation of women in ancient Iranian society for the silent sacrifices Avestan women have given to the keep house and community in a safely integrated and orderly way

Indeed, it was, like so many other social customs and civil and civic established order of the Achaemenian and Sassanian times, that this day was usurped as Mothers' Day in the post-Roman occupied European Societies. Our deep respects to Tehran Mobed Association.



**12TH**  
**ZOROASTRIAN GAMES**  
July 1 - July 5, 2010  
Long Beach, California

This is antithetical to Zarathushtra's idea of free will, where one is the architect of one's own destiny and salvation, by applying Ahura Mazda's attributes as mentioned in Gathas.

**A**ccording to Dr Bode, Yasna 30 is the first sermon on the origin of evil, but I would rather say that it is the sermon on two mainyus, one creative energy and other destructive mentality, which manifest in order and disorder, life and non-life, truth and untruth, right and wrong, affecting the thoughts, words and actions of an individual, group or nation. Actually, it is a sermon on the choice of Good and Evil.

Zarathushtra says in Yasna 30.2 of Ahunavaiti Gatha:

sraotâ	gēušâish	vahishtâ,
avaēnatâ	sûchâ	mananghâ.
âvarenâ		vîchithahyâ,
narēm	narem	khvakhvyâi
parâ	mazê	tanuyê;
		ýanghō

ahmâi nê sazdyâi baodañtō paitî.

Translation:

Listen you all, the best with (your) ears;  
discern with an enlightened (clear) thinking mind,  
in choosing and deciding between the two (creative or destructive mental forces good or bad etc.),  
each man and woman (should act) for his/herself.  
Before the great event ushers in,  
awaken each one to our teaching.

This Yasna 30.2 is connected with other cantos of Yasna 30. Therefore, this canto alone cannot be fully explained. Asho Zarathushtra asks us first to listen to the best which means finest, paramount and supreme. The word 'sucha' is very interesting. Dr Taraporwala defines it as pure, clear, i.e. without prejudiced or preconceived notions.

We all have in life a predisposition for a gamut of emotions. He further says to us that each man and woman should learn to discern or distinguish with the faculty of our thinking mind, in choosing and deciding what path to follow.

He warns us to wake up to this teaching before the event ushers in. This event, I believe, is the judgment of the soul, as evident in Yasna 30.10,11. Thus, if humanity at large would make, in general, good choices that would be beneficial to all, and the world would be a much happier place to live. This was Zarathushtra's ideal thinking on bringing solace to the soul of the living world (Geshurvan).



IRANIAN  
AMERICAN  
SCHOLAR LOTFI  
ZADEH WINS  
2009 BENJAMIN  
FRANKLIN MEDAL

October 05, 2009

Esteemed Iranian American scholar Lotfi Zadeh was awarded the 2009 Benjamin Franklin Medal in electrical engineering. A graduate of Tehran University, the Massachusetts Institute of Technology, and Columbia University, Zadeh received the award for his theory of "fuzzy logic". His theory, which focuses on how artificial intelligence processes information, has been integrated into numerous household and electronic products used everyday.

The  
Smithsonian  
Presents:  
"Nowruz! A  
Persian New  
Year  
Celebration"



Shahin Chear, Agent  
Insurance Lic. #: 0E07746  
Costa Mesa, CA 92627  
Bus: 949-553-1115 Fax: 949-646-2566  
www.calinsurero.com

Total average savings of  
**\$696\***

Let me show you how combining home and auto policies can really add up. Like a good neighbor, State Farm is there.<sup>®</sup>  
CALL FOR A QUOTE 24/7



\*Average annual per household savings based on a national 2007 survey of new policyholders who reported savings by switching to State Farm. State Farm Mutual Automobile Insurance Company, State Farm Indemnity Company, State Farm Fire and Casualty Company, State Farm General Insurance Company, Bloomington, IL 61710

Washington, D.C. – On Sunday, March 7, 2010 the Freer and Sackler Galleries of the Smithsonian Institution will host an early celebration of Nowruz. The full day event will feature storytelling with Xanthe Gresham, music by Pejvak Ensemble, book signing with famous Persian chef Najmieh Batmanglij, and much more.

**HAPPY  
NEW  
YEAR**



# Ten health habits that will help you live to 100

You don't need to eat yogurt and live on a mountaintop, but you do need to floss.

The biggest factor that determines how well you age is not your genes but how well you live. Not convinced? A new study published in the *British Medical Journal* of 20,000 British folks shows that you can cut your risk of having a stroke in half by doing the following four things: being active for 30 minutes a day, eating five daily servings of fruit and vegetables, and avoiding cigarettes and excess alcohol.

**W**hile those are some of the obvious steps you can take to age well, researchers have discovered that centenarians tend to share certain traits in how they eat, move about, and deal with stress—the sorts of things we can emulate to improve our own aging process. Of course, getting to age 100 is enormously more likely if your parents did. Still, Thomas Perls, who studies the century-plus set at Boston University School of Medicine, believes that assuming you've sidestepped genes for truly fatal diseases like Huntington's, 'there's nothing stopping you from living independently well into your 90s.' Heck, if your parents and grandparents were heavy smokers, they might have died prematurely without ever reaching their true potential lifespan, so go ahead and shoot for those triple digits by following these 10 habits.

1. Don't retire. 'Evidence shows that in societies where people stop working abruptly, the incidence of obesity and chronic disease skyrockets after retirement,' says Luigi Ferrucci, director of the Baltimore Longitudinal Study of Aging. The Chianti region of Italy, which has a high percentage of centenarians, has a different take on leisure time. 'After people retire from their jobs, they spend most of the day working on their little farm, cultivating grapes or vegetables,' he says. 'They're never really inactive.' Farming isn't for you? Volunteer as a docent at your local art museum or join the Experience Corps, a program offered in 19 cities that places senior volunteers in urban public elementary schools for about 15 hours a week.

2. Floss every day. That may help keep your arteries healthy. A 2008 New York University study showed that daily flossing reduced the amount of gum-disease-causing bacteria in the mouth. This bacteria is thought to enter the bloodstream and trigger inflammation in the arteries, a major risk factor for heart disease. Other research has shown that those who have high amounts of bacteria in their mouth are

more likely to have thickening in their arteries, another sign of heart disease. 'I really do think people should floss twice a day to get the biggest life expectancy benefits,' stresses Perls.

3. Move around. 'Exercise is the only real fountain of youth that exists,' says Jay Olshansky, a professor of medicine and aging researcher at the University of Illinois at Chicago. 'It's like the oil and lube job for your car. You don't have to do it, but your car will definitely run better.' Study after study has documented the benefits of exercise to improve your mood, mental acuity, balance, muscle mass, and bones. 'And the benefits kick in immediately after your first workout,' Olshansky adds. Don't worry if you're not a gym rat. Those who see the biggest payoffs are the ones who go from doing nothing to simply walking around the neighborhood or local mall for about 30 minutes a day. Building muscle with resistance training is also ideal, but yoga classes can give you similar strength-training effects if you're not into weight lifting.

4. Eat a fiber-rich cereal for breakfast. Getting a serving of whole-grains, especially in the morning, appears to help older folks maintain stable blood sugar levels throughout the day, according to a recent study conducted by Ferrucci and his colleagues. 'Those who do this have a lower incidence of diabetes, a known accelerator of aging,' he says.

5. Get at least six hours of shut-eye. Instead of skimping on sleep to add more hours to your day, get more to add years to your life. 'Sleep is one of the most important functions that our body uses to regulate and heal cells,' says Ferrucci. 'We've calculated that the minimum amount of sleep that older people need to get those healing REM phases is about six hours.' Those who reach the century mark make sleep a top priority.

6. Consume whole foods, not supplements. Strong evidence suggests that people who have high blood levels of certain nutrients—selenium, beta-carotene, vitamins C and E—age much better and have a slower rate of cognitive decline. Unfortunately, there's no evidence that taking pills with these nutrients provides those antiaging benefits. 'There are more than 200 different carotenoids and 200 different flavonoids in a single tomato,' points out Ferrucci, 'and these chemicals can all have complex interactions that foster health beyond the single nutrients we know about like lycopene or vitamin C.' Avoid nutrient-lacking white foods (breads,

flour, sugar) and go for all those colorful fruits and vegetables and dark whole-grain breads and cereals with their host of hidden nutrients.

7. Be less neurotic. It may work for Woody Allen, who infuses his worries with a healthy dose of humor, but the rest of us neurotics may want to find a new way to deal with stress. 'We have a new study coming out that shows that centenarians tend not to internalize things or dwell on their troubles,' says Perls. 'They are great at rolling with the punches.' If this inborn trait is hard to overcome, find better ways to manage when you're stressed: yoga, exercise, meditation, tai chi, or just deep breathing for a few moments are all good. Ruminating, eating chips in front of the TV, binge drinking? Bad, very bad.

8. Live like a Seventh Day Adventist. Americans who define themselves as Seventh Day Adventists have an average life expectancy of 89, about a decade longer than the average American. One of the basic tenets of the religion is that it's important to cherish the body that's on loan from God, which means no smoking, alcohol abuse, or overindulging in sweets. Followers typically stick to a vegetarian diet based on fruits, vegetables, beans, and nuts, and get plenty of exercise. They're also very focused on family and community.

9. Be a creature of habit. Centenarians tend to live by strict routines, says Olshansky, eating the same kind of diet and doing the same kinds of activities their whole lives. Going to bed and waking up at the same time each day is another good habit to keep your body in the steady equilibrium that can be easily disrupted as you get on in years. 'Your physiology becomes frailer when you get older,' explains Ferrucci, 'and it's harder for your body to bounce back if you, say, miss a few hours of sleep one night or drink too much alcohol.' This can weaken immune defenses, leaving you more susceptible to circulating flu viruses or bacterial infections.

10. Stay connected. Having regular social contacts with friends and loved ones is key to avoiding depression, which can lead to premature death, something that's particularly prevalent in elderly widows and widowers. Some psychologists even think that one of the biggest benefits elderly folks get from exercise is the strong social interactions that come from walking with a buddy or taking a group exercise class. Having a daily connection with a close friend or family member gives older folks the added benefit of having someone watch their back. 'They'll tell you if they think your memory is going or if you seem more withdrawn,' says Perls, 'and they might push you to see a doctor before you recognize that you need to see one yourself.'

Source, US News

By Deborah Kotz

*NBA Star  
Hamed Haddadi  
Celebrates  
"Iranian  
Heritage Night"  
Across the  
Nation*



Hamed Haddadi the first Iranian to play in the NBA and the center for the Memphis Grizzlies, and his manager Mayar Zokaei noticed that at every road game Iranian Americans came out in impressive numbers to show their support and meet Haddadi. Seeing this as an opportunity to mobilize the Iranian American community, and with the support of the NBA they created Iranian Heritage Night.

Iranian Heritage Nights are produced by Javanan Magazine and One Group Events, in association with the NBA and its respective teams. The purpose of these events is to mobilize and introduce the Iranian American community to Haddadi. The first such event took place in Los Angeles in early 2009 and garnered immense popularity and traction for the 2009-2010 NBA season.

Iranian Heritage Night is also creating awareness of Iranian culture by incorporating Iranian American performers throughout the games. For instance, Farshid Amin will sing the National Anthem at the Golden State game (11/04/09), where the Niosha dance academy will perform during halftime. Andy will sing the National Anthem at the Los Angeles Clippers game (11/29/09) where the Luna RAQS Dance Academy will perform.

For each Iranian Heritage Nights

event, a special block of tickets have been reserved at deeply discounted rates. Those purchasing these tickets will receive early entrance into the games, an 8 x 10 photo of Haddadi, an Iranian Heritage Night t-shirt and a pass for a special meet and greet with Haddadi either before or after the game.

*Farangis  
Kaikhos-  
row  
Shahrokh*

**F**arangis Shahrokh is one of few dynamic individuals who have altered the lives of not just individuals but whole communities wherever they have worked and lived. She has traveled extensively, visiting over 25 countries, and in her retirement she is working on her memoirs.

Considering her list of achievements, the book will no doubt serve the dual purpose of being a historical record and an absorbing read.

Farangis was born in Tehran and completed her elementary studies at Iradj, and higher studies at American Junior Sage College, Tehran. She moved to Hamadan after she married Ardeshir Yeganegi in 1933. Here she worked hard to establish a clinic, a nursery school and an orphanage. In this task, she was supported by her husband, leading women of Hamadan, as well as by the Mayor.

Farangis worked relentlessly to give a voice to the women of Iran. She lobbied for the welfare of women in prison, and formed a supervisory body to ensure that they were not ill-treated. She participated in the formation

of the Zoroastrian Women's Association, by no means an easy task in a country where it was difficult to establish an association with the word 'women' in its title.

She immersed herself in studies after her husband's death in 1953, obtaining a degree in Literature from Tehran University. Four years later she left for the USA, where she studied Social Work and Occupational Therapy at the University of Southern California.

On her return to Iran, she went back to fighting for the protection of women's rights. She served as Director of Training and Employment of Women's Organizations of Iran, coordinating training workshops for women in small towns. Training included literacy, typing, driving, and use of electrical household tools.

She also became involved in promoting the heritage and culture of Iran. In conjunction with Ali Mansoor, the Prime Minister of Iran at that time, Dr Farang Mehr and Mr Zoka, she laid the foundation of Anjoman-e-Iran-e-Bastan (The Ancient Iranian Anjuman). Activities included an introduction to ancient Iranian civilization through talks, conferences, publications and television. She wrote a book, *In Search of Truth*, a history book on Iranian Zarathushtis after the fall of the Sassanian Empire in the 7th Century.

**I**n 1964, by the order of Empress Farahdiba, she founded the Sazeman-e-Sanaye-Dasti-e-Irani (The Iranian Handicraft Organization). She spent the next seven years getting it up and running, and today it is still one of the most profitable organizations in Iran.

She set up 32 co-operatives for the technical training of member craftspersons for the improvement of quality and better mar-

keting of Iranian handicrafts. Over 150,000 artisans are members of this organization.

As a result of Farangis's efforts, Iran's export of its handicrafts is second only to its oil export. Its success motivated the United Nations to assign her to Jamaica where she collected Jamaican artifacts and set up small industries. Farangis was awarded several medals for her service in the development of Iran, particularly the advancement of Iranian industries.

She later wrote two books on the cottage industries of Iran, with particular reference to handicrafts. Farangis also worked with farmers to train and help them do other things during the off-season. She also lectured on the cottage industries of Iran at the Faculty of Farmer Youths. Farangis donated 25,000 square meters of land to the Ministry of Education for a compound of the Occupational Center in Iran.

In the mid-70s, she immigrated to the USA, where she once again took an active part in the affairs of her new home. She does volunteer work for several organizations, including the Orange County Sexual Assault Committee, and the libraries in Orange County high schools.

For the development of the Zarathushti community in California, she founded the California Zoroastrian Center, and with her customary zeal she served as its president for a decade. She donated the library building and books for public use to the California Zoroastrian Center. At the Eleventh FEZANA Congress, held in New York in 1998, Farangis was presented the award for the most prominent and outstanding individual of the year.

# The Power of Choice

On January 12, 2010 as the rest of us here in the U.S. were wrapping up a normal Tuesday, reports began to come in about a 7.0 magnitude earthquake that had hit the country of Haiti. Over the following weeks, we watched in horror as the media broadcast scenes of the devastation, bodies being removed from the rubble, injuries and disease impacting an estimated 3 million people, hundreds of thousands believed to be dead, and chaos descending upon a nation that has known much suffering throughout its history. For most of us the reaction was first heartbreak and then "How can I help?"

Organizations were set up overnight to take donations from those who wanted to help. Governments around the world pulled together to send assistance; charitable organizations sent delegations to the disaster zone. Ordinary people with regular day jobs set up small organizations to deliver aid, or devoted time and resources to buy and send goods to Haiti. In fact, helping the people of Haiti became as easy as sending a text message and having the donation amount taken out of your monthly phone bill. And yet, as with everything else in this complicated world we live in, the giving and the helping is surrounded by controversy and doubt. How much of the money I donate actually goes to the people who need it and not to overhead? How can we be sure the aid is being distributed fairly to all who need it? Why have we sent military forces rather than civilian aid? Why does the government of Haiti seem to be left out of major decisions in the aid process that impact its people? These are legitimate questions, and we must always do our research before we donate our time or money to any cause. But the point is to act, to do that research to send that aid...in any amount we can afford.

But the reaction which was most devastating and shocking was that of certain individuals – based seemingly on fundamental religious or political ideology – that somehow the people of Haiti were to blame, that somehow our leaders who jumped at the chance to help cared nothing about people and were purely motivated by self interest. I began to see comments on facebook that Haitians, because of their religious beliefs or cultural practices, did not deserve "salva-

tion." To this day, when I think of this reaction I am horrified. Horrified that a tragedy so devastating can bring out anything but a deep human connection to the suffering that our fellow human beings are experiencing. Horrified, that there may be more people out there who hold these same beliefs. Horrified, because to me this perspective signifies perhaps the death of something valuable within the human race.

I have spent hours trying to understand how someone comes to these outrageous conclusions. And I can honestly say that I am not capable of deducing that logic. The best I can do is believe in what most of us – whether we are Zoroastrian or not – are taught from the beginning: that there is both good and evil in this world; that at the end of the day I am free to choose to stand with those who are and do good; that if enough of us choose to make the right decisions we will in fact make a difference - ultimately.

So this Norouz, we get yet another chance to make new year's resolutions, to make vows to ourselves and set personal goals for the coming year. Mine is to remain constantly cognizant of my human connection to everyone else on this planet, and to create awareness of this connection for others. Who we are and what we choose to do with our lives, with even simple day-to-day decisions, impacts others all across the globe, more than we are able to realize. And, yes there are those who will make bad choices, there are those who will do things and say things that appear evil to us. And that is part of being human. The only power we have over that is what we do with our own choices. And the existence of evil doesn't necessarily mean the death of some aspect of humanity, because it is up to us to then reaffirm it by our own actions.

So this year, at yet another Norouz that we are blessed to experience, I wish you

great happiness, and I hope that you choose wisely and well.

## Quotes

It's choice – not chance – that determines our destiny.  
-Jean Nidetch

The strongest principle of growth lies in human choice.  
-George Elliot

## Charity Spotlight

**C**linton Bush Haiti Fund  
In the aftermath of the devastating earthquake in Haiti, President Obama asked former Presidents Bill Clinton and George W. Bush to raise funds to provide immediate and long-term help to the people of Haiti. They achieve this by supporting reputable non-profit and non-governmental organizations.

Please visit [ClitonBushHaitiFund.org](http://ClitonBushHaitiFund.org) for more information.

By Dr. Niaz Kasravi

The Michael Clifford Group | Sotheby's INTERNATIONAL REALTY

**Ramin Ostowari/REALTOR®**  
CA DRE #01322564

**Commercial & Residential Investment Services**  
Specializing in Multifamily Apartments  
In-State & Out-of-State

26010 Accro Street, Suite 200  
Mission Viejo, CA 92691

Phone: 949.230.7231  
Fax: 866.773.1262  
Ramin.Ostowari@SothebysRealty.com

**"When you want results and not just promises"**

## Sadeh Celebration in Iran

CHAM, Iran - Thousands of Iranians gathered at dusk against a snowy mountain backdrop to light giant bonfires in an ancient mid-winter festival dating back to Iran's pre-Islamic past that is drawing new interest from Muslims.

Saturday's celebration was the first in which the dwindling remnants of Iran's once plentiful Zoroastrian religious minority were joined by thousands of Muslims, reflecting a growing interest in the strict Islamic society for the country's ancient traditions.

The festival, known as Sadeh, celebrates the discovery of fire and its ability to banish the cold and dark, and it is held in the frigid depths of winter.

Sadeh was the national festival of ancient Persia when Zoroastrianism was the dominant religion, before Islam's conquest in the 7th century. Now it is mostly celebrated just in the homes and temples of Iran's remaining Zoroastrians.

Recently, however, there has been an upsurge of interest among Iranian Muslims — more than 90 percent of the population — in their ancient heritage, when the vast Aryan (Iranian, Persian) empire held sway over much of central Asia and fought Greek warriors and Roman legions.

«I'm proud of Sadeh because it is part of Iran's cultural heritage,» said Mohammed Saleh Khalili, a Muslim Iranian who traveled from Meibod, a town in central Iran, to join the celebrations. «Once it was a national festival and for centuries it has been restricted to Zoroastrians but there is no reason why Muslim Iranians shouldn't celebrate the event.»

Zoroastrianism is a monotheistic religion predating Christianity and Islam and is believed to have influenced those faiths — and Judaism as well — being one of the first religions with a strong notion of good and evil.

**Z**oroastrians believe they must fight evil through good deeds, words and thoughts, including charity and service. Fire plays a central role in worship as a symbol of truth and the spirit of God. Prayer is often performed in front of a fire, and consecrated fires are kept perpetually burning in major

temples.

The religion was founded in ancient Persia about 3,700 years ago, according to some scholarly estimates, by Zarathustra, or Zoroaster, whom the faith considers a prophet.

Zoroastrians once numbered in the millions but were persecuted and forced to convert after Muslims rose to power in Iran. A small number fled to India and their descendants became known as Parsis, or people from Persia.

According to some estimates, there are over 2,750,000 Zoroastrians in the world today.

On Saturday, in the small mountain village of Cham in central Iran, an estimated 5,000 people — more than half of them Iranian Muslims — gathered for the festival, as white-robed priests recited hymns in ancient Persian from their holy book and children danced to lively music.

The ceremony climaxed with men and women dressed in traditional dress carrying torches and lighting the massive bonfire.

There was even a police band on hand playing the national anthem and other patriotic music, evoking wild cheers from the crowd of people, who made V for victory signs with their hands.

The band's presence marked a once unheard of official stamp of approval for the festival by the government, which used to strongly discourage anything to do with Wisdom worship?

«It appears that Sadeh once again will be a real national festival in Iran,» said Ebrahim Rezaei, also a Muslim.

Organizers held the festival outdoors this year because of the massive amount of interest from Muslims in the celebrations.

«We are proud of inheriting this great heritage from our ancestors. Celebrating Sadeh is celebrating the greatness of our homeland,» Ardeshir Kameh, a local Zoroastrian leader, told the cheering crowd. Although Islam has been dominant for centuries in Iran, its Zoroastrian past has left its mark on the people through festivals and traditions still celebrated to this day.

The most well known is the Iranian New Year, Nowruz, celebrated in March, when people light bonfires, set off firecrackers and dance in the streets to put

their failures behind them and start the new year with prosperity.



Vahid Salemi / AP

Iranian Zoroastrian woman, Armaghan Khosravi, center, and her Muslim friend, Mahnaz Ahadi, are overcome with emotion as they watch the bonfire.

Source: Associated Press

## Sixty-fourth General Assembly Plenary 71st Meeting (PM)

General Assembly Recognizes 21 March as International Day of Nowruz,

Also Changes to 23-24 March Dialogue on Financing for Development.

The General Assembly this afternoon recognized the International Day of Nowruz, a spring festival of Persian origin, and moved back the dates of the next high-level dialogue on Financing for Development, as it continued its sixty-fourth session.

According to the preamble of the resolution on the International Day (document A/64/L.30/Rev.2), Nowruz, which means new day, is celebrated on 21 March, the day of the vernal equinox, by more than 300 million people worldwide as the beginning of the new year. It has been celebrated for over 3,000 years in the Balkans, the Black Sea Basin, the Caucasus, Central Asia, the Middle East and other regions.

The Assembly called on Member States that celebrate the festival to study its history and traditions with a view to disseminating that knowledge among the international community and organizing annual commemoration events.

Welcoming the inclusion of Nowruz into the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) on 30 September 2009, the text notes the festival's "affirmation of life in harmony with nature, the awareness of the inseparable link between constructive labour and natural cycles of renewal and the solicitous and respectful attitude towards natural sources of life".

The text was introduced by Azerbaijan's representative, who said that, as a holiday celebrated in many parts of the world with themes important to all humanity, Nowruz encouraged intercultural dialogue and understanding. Speaking after the Assembly took action on the draft, the representative of Iran marked its adoption by quoting lines of the Persian poet Jalaluddin Rumi that expressed the holiday's theme of rebirth "on our planet and in our souls".

In its decision on the follow-up to the outcome of the 2002 International Conference on Financing for Development and the 2008 Review Conference (as contained in document A/64/L.47), the Assembly changed the dates of the fourth high-level dialogue, which was to be held on 16 and 17 March 2010 at United Nations Headquarters, to 23 and 24 March 2010, in the same venue. The original dates were set by resolution 64/194 of 21 December 2009.

Also this afternoon, the Assembly took note of the payment of dues by Kyrgyzstan, Paraguay, Saint Vincent and the Grenadines, Swaziland and Timor-Leste, through which they reduced their arrears below the amount specified in the United Nations Charter to be able to participate in votes and other Member State privileges.

Consideration of extending the terms of ad litem judges in the United Nations internal justice system, originally planned for this meeting, was postponed to a date to be announced.

The General Assembly will meet again at a time and place to be announced.

Those who know not their history are deaf to the past, mute to the present, and blind to the future.

The sands of time have always known  
That civilization which has grown  
In that plateau we call Iran  
Land of the lion, land of the sun  
Kourosh brought unmatched glory  
Dariush's Persepolis told the lasting story  
Strength came from tolerance and freedom  
Justice and nobility flourished in this kingdom  
The greatest empire ever seen  
Their lasting legacy was unforeseen  
Masters of the world  
The Persians' achievements must be told  
Wise words of Kourosh, baked on a cylinder of clay  
Respected foreign cultures, and their right to freely pray  
Women were respected, and slavery abolished  
Kourosh was Great, for the human rights he polished  
To conquer foreign lands requires minimal exertion  
But to unite an empire, is a remarkable contention  
Always building and improving, and never standing still  
Dariush was Great, for his administrative skill  
The Royal Road, with Sardis at the end and Shooshan at the start  
Was an awe of transportation, connecting Persia's heart  
Who carved the Suez Canal, giving commerce speedy wings?  
King Dariush, son of Hystaspes, an Achaemenid, the King of Kings  
The father, with passion and pride, passed to his son

**H**is love of law, beauty, architecture, and care of Iran  
Dariush began building, but Xashayar completed these perfections  
Xashayar was great, for his magnificent creations  
And what of Marathon, Thermopylae, and Salamis?  
Did the Greeks truly receive such bliss?  
Herodotus embellished, told lies for the West  
For the Persians, these were skirmishes at best  
But every golden era must someday end  
So too Achaemenes's dynasty would bend  
Alexander's army won, but could not see  
Win or lose, Persians' hearts always stay free  
Revenge, envy, and wine made Alexander yearn  
The pride of Persia, Persepolis, to burn  
The labor of years, by a thousand artisans employed  
Took one lunatic one night, for this jewel to be destroyed  
Greatness comes, from a worthy contribution  
To humanity, to art, to law, or a scientific institution  
Those who burn and loot deserve our hate

# Persian history in verses

So answer this, was Alexander truly Great?  
Now who were the barbarians, the Persians or the Greeks?  
Our lowest troughs, still higher than their highest peaks  
The art of empire, the Greeks could never master  
Constant feuding and civil wars, left Greece in a disaster  
Parthians picked up the torch of our land  
Put Iranian rule back in Iranian hand  
They showed Greece and Rome, to name just two  
That Iran possesses great horses, and great men too  
Like a Phoenix, from the ashes rising  
The Sassanians arrived, with Iran reorganizing  
Power, wealth, and wisdom again flourished  
The rule of Ardeshir, Shapur, and Khosro let Iran be nourished  
Life was based on three simple needs  
Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds  
Monotheist religion, for all its evil and its good  
Came from Iran, from where Zarathustra stood  
Rome, for all its power and its legions  
Couldn't touch Iran's vast regions  
Many times Rome tried but failed  
Every time cataphract armor thundered and hailed  
But Sassanian wealth and beauty caught the eye  
Of a desert tribe, whose religion was a lie  
Like desert snakes, they ruthlessly attacked  
Until beautiful Ctesiphon was sacked  
Rostam-e-Farokhzad, the brave and capable general  
Fought till the end, though his wounds were several  
At Qaddisiya, he came to Iran's defence  
Alas, the Taazi army was too dense  
With coercion and the sword  
Islam was able to spread its word  
A dark and sinister force was born  
That to this day brings Iran much scorn  
Some to India had to flee  
Iran's destruction was unbearable to see  
Parsees, they are called to this day  
Ahura Mazda, with them will always stay  
But Iranian roots are strong and hard to kill  
Iran was freed again, with such a thrill  
The Saffarids would answer the nation's call  
To make Arab tyranny shamefully fall  
Don't mourn the Ashura, weep a Taazi's death  
Hassan and Hossein were foreigners, who weakened Iran's breath  
If mourn you must, then mourn, a national event  
Like Gaugamela, or Qaddisiya, places of great

lament

While Europe was stagnant in its Dark Ages  
Persian scholars thrived, free from mental cages  
From algebra, to astronomy, and architecture  
Persians wrote the book, and gave the lecture  
A time of great Persian thinkers had emerged  
Where poetry and science, love and knowledge,  
easily verged  
Saadi, Hafez, Rumi, Omar Khayam to name a few  
Thanks to them, humanity exponentially grew  
Arabs from time to time, try to falsely claim  
These brilliant men, and their golden works of fame  
Dream on, Taazi, and of this be sure:  
These men were always Persian, and completely pure  
Who could forget Ferdowsi, the greatest poet ever?  
He gave us Sam, Zal, and Rostam, heroes both brave and clever  
The Persian language, so eloquently resurrected  
As The Shahnameh was written with all Arabic words neglected  
Many other invaders would come again, much the same  
From Genghis Khan to Teymour the Lame  
They would loot, burn, and murder  
The cities too proud to surrender  
Though Turks and Mongols had military strength  
They were lacking in cultural length  
The Persian culture was too rich, to be absorbed into theirs  
Instead they settled in Iran, and joined her proud heirs  
It's clear from this short and simple recap  
That Iran had its share of glory, as well as mishap  
Our generation is unfortunate, assigned the station  
Of another dark chapter, in the book of our nation  
Once again Zahak is in power  
His snakes consume and poison every flower  
He uses religion and superstition  
To enforce his selfish and malicious mission  
So once more dust off the Kaviyani banner  
And fly it high, in a proud and fitting manner  
Zahak and his snakes will die once more  
And our nation we shall yet restore  
Arabs, pack your camels, and form a line  
Leave this land, let the lion roar, let the sun shine  
Or get thrown out, by Kaveh, and his noble flame  
Return to the desert sands, from whence you came  
Iran in its infancy reached the sky  
Will Faravahar's wings expand, will Iran soar that high?  
Just lift the veil, you'll surely see  
Iran's brightest days lie ahead, when the Aryans are again free

In Legend and History Nowruz in Persian means "New Year Day". It is the beginning of the year for the people of Afghanistan, Azerbaijan, Iran, and Tajikistan. Other Asian republics of the former Soviet Union are joining the group, and the latest report says that Turkey too has decided to declare Nowruz a holiday. It is also celebrated as the new year by the people of Iranian stock, particularly the Kurds, in the neighboring countries of Georgia, Iraq, Syria, and Turkey. It begins precisely with the beginning of the vernal equinox, on about March 21.

Tradition takes Nowruz as far back as 15,000 years-before the last ice age. King Jamshid (Yima or Yama of the Indo-Iranian lore) symbolizes the transition of the Indo-Iranians from animal hunting to animal husbandry and a more settled life in human history. Seasons played a vital part then. Everything depended on the four seasons. After a severe winter, the beginning of spring was a great occasion with mother nature rising up in a green robe of colorful flowers and the cattle delivering their young. It was the dawn of abundance. Jamshid symbolizes the person/people who introduced No-Rooz celebrations.

Avestan and later scriptures show that Zarathushtra improved, as early as 1725 B.C, the old Indo-Iranian calendar. The prevailing calendar was lunar-solar. The lunar year was of 354 days. An intercalation of one month after every thirty months kept the calendar almost in line with the seasons. Zarathushtra, the Founder of the Good Religion, himself an astronomer, founded an observatory and he reformed the calendar by introducing an eleven-day intercalary period to make it into a lunar-solar year of 365 days, 5 hours and a fraction. Later in the post-Gathic period, the year was made solely a solar year with each month of thirty days. An intercalation of five days was, and a further addition

of one day every four years, was introduced to make the year 365 days, 5 hours, and a fraction. Still later, the calendar was further corrected to be a purely solar year of 365 days 5 hr 48 min 45.5 sec. The year began precisely with the vernal equinox every time and therefore, there was no



## NO-ROOZ, THE ZARATHUSHTRIAN NEW YEAR

particular need of adding one day every four years and there was no need of a leap year. This was [and still is] the best and most correct calendar produced that far.

Some 12 centuries later, in 487 BCE, Darius the Great of the Achaemenian dynasty (700 to 330 BCE) celebrated the Nowruz at his newly built Persepolis in Iran. A recent research shows that it was a very special occasion. On that day, the first rays of the rising sun fell on the observatory in the great hall of audience at 06-30 a.m., an event that repeats itself once every 1400-1 years. It also happened to coincide with the Babylonian and Jewish new years. It was, therefore, a highly auspicious occasion for the ancient peoples. Persepolis was a place the Achaemenian king received, on Nowruz, his peoples from all over the vast empire. The walls of the great royal palace depict the scenes of the celebrations.

We know the Parthians (250 BCE

to 224 CE) celebrated the occasion but we do not know the details. It should have, more or less, followed the Achaemenian pattern. During the Sassanian time (224 to 652 CE), preparations began at least 25 days before Nowruz. Twelve pillars of mud bricks, each dedicated to one month of

the year, were erected in the royal court. Various vegetable seeds-wheat, barley, lentils, beans, and others-were sown on top of the pillars. They grew into luxurious greens by the New Year Day.

The great king held his public audience and the High Priest of the empire was the first to greet him. Government officials followed next. Each person offered a gift and received a present. The audience lasted for five days, each day for the people of a certain profession. Then on the sixth day, called the Greater Nowruz, the king held his special audience. He received members of the Royal family and courtiers. Also a general amnesty was declared for convicts of minor crimes. The pillars were removed on the 16th day and the festival came to a close. The occasion was celebrated, on a lower level, by all peoples throughout the empire. Since then, the peoples of the Iranian culture, whether Zartoshtis, Jews, Christians, Muslims, Baha'is, or others, have,

under Arab, Turk, Mongol, and Iranian rulers, celebrated Nowruz precisely at the time of vernal equinox, the first day of the first month, on about March 21.

Zartoshtis have six seasonal thanksgiving festivals, called "Gahanbars," to celebrate in a year. Vernal Equinox, called Hamaspathmaidhaya in Avesta, meaning "Middle of Equal Paths," or in simpler rendering "vernal equinox" is the top celebration. It was known in later days as «Nava Saredha» and still later Now Sal, both meaning "New Year". Today it is known as Nowruz, New Day. It is the first day of spring in the Northern Hemisphere.

The early Zarathushtrians counted their era, the Zarathushtrian Religious Era (ZRE), from Nowruz (vernal equinox) of 1737 BCE. It may be noted that the credit of precisely calculating ZRE goes to an Iranian scholar, the late Zabih Behruz.

The Zarathushtrian era was abandoned when the Achaemenian monarchy was influenced by the prevailing custom in the Mesopotamia. The year started with the accession to the throne of every monarch. That is the reason why Zoroastrians-followers of the Fasli (solar), the Shahenshahi (majority of Parsis), the Qadimi (a minority of Parsis and Iranis of India and Pakistan) calendar-have the Yazgerdi era, the year King Yazdgerd ascended the throne in 632 CE. Both Shahenshahi and Qadimi reckoning have a year of 365 days only. They have advanced almost seven months by gaining one day every four years. It means that they gave up the leap year (avardâd sâlgâh) about 852 years ago-in about 1150 CE. All Iranian Zoroastrians follow the Fasli, the seasonal or the solar calendar.

By: Dr. Ali Jafarey

**T**oday, I will discuss freedom of religion, free will in brief, and freedom of choice.

After talking with some individuals in our community, it appears to me that freedom of religion is misunderstood. We will look at it from different angles that will clarify this misconception.

Freedom of religion is a human right that should belong to a person from birth. We all know Cyrus the Great proclaimed the First Charter of Human Rights. One of these rights was the freedom of religion.

Freedom of religion in secular societies is a privilege as well as right, if it is granted by democratic countries like the USA, India, European nations, and others. Then it is referred to as a constitutional right for an individual, group or community.

We Zoroastrians thus have a constitutional right to practice our customs and traditions, and to follow our belief system in a place of worship. Indeed, we would be wise to take this right seriously for our expansion and survival.

According to UN human rights, as well as those of the US, we have a right to believe in God or not. At the same time, we have a right to follow our conscience and change religion if so desired. In some countries such freedom is lacking.

During the Hakhamaneshian dynasty, there was a freedom of religion. Jews and other non-Zoroastrians were allowed to follow their religion with worship, customs and traditions, even though the majority of the population was Zoroastrian.

In Sassanian times, Zoroastrianism was a semi-state religion, but it never exhibited the characteristics of an autonomous, theocratic state. In fact, Khushrow Parviz favored Christians. Before that, there were times in Persia when other religions started taking advantage of its liberal policy.

There were occasions of persecution of other religious communities during the time of Kartir, who became Mobede Mobedan. He carried out persecutions of other religions, as well as punishing lower grade priests for not following his theology. Zurvanism had become a cult of Zoroastrianism with the dualism of Ahura Mazda and Ahriman, who were supposed to be two sons of Zurvan and tossed against each other. Kartir was responsible for putting an end to this movement. Manichism was similarly suppressed. Armenia was invaded to reconvert its citizens to Zoroastrianism, after they accepted Christianity for political reasons.

When we look at the comparative history of world religions, we find that on the whole, Sassanian kings were much more tolerant than kings in Christian and Islamic countries. The Roman Catholic Church was a very powerful institution, which exerted extensive power over the kingdoms of Europe. If people opposed the church, they paid a heavy price.

One example will suffice. The Roman Catholic Church declared a holy war against the Cathars of Europe, and killed thousands of them by burning them at the stake, torture, and other means. Historically, no Zoroastrian king has killed that many Zoroastrians or non-Zoroastrians for any objective gain.

Coming back to the USA, we realize that freedom of religion is guaranteed by the constitution, as the First Amendment contains two clauses about it. The first part is known as the

The First Amendment provides for freedom of religion for all Americans.

The Free Exercise Clause provides non-interference by government, either to control or prohibit the free exercise of one's religion.

However, religious actions and rituals can be limited by civil and federal laws.

We must understand one point very clearly: any freedom that we may have has constraints as well as boundaries. A religious community cannot jump over the fence for self-aggrandizing activities. Literally, it must follow the laws of state and federal governments.

In practice, it may have some variables. Some people fail to understand the difference between freedom of religion and personal freedom. The latter has its ramifications. We have the personal freedom to drive a car, but not when inebriated

## The Idea of Freedom of Choice in The Gathas

Establishment Clause, and the second as the Free Exercise Clause.

The First Amendment reads, 'Congress shall make no law respecting an establishment of religion, or prohibiting the free exercise thereof; or abridging the freedom of speech, or of the press; or the right of the people peaceably to assemble, and to petition the government for a redress of grievances.'

**P**ilgrims who were persecuted by the Church of England wanted two clauses. They wanted to worship independently from the established Church of England. In 1620, they sailed the stormy Atlantic for 63 days on the tiny Mayflower, seeking freedom of religion in the New World. This event was the most outstanding in the history of this country. Because of their efforts, America is what it is now.

Let us look at the interpretation of the two clauses.

The Establishment Clause prohibits the government from passing laws that will establish an official religion or preference for one religion over another. The courts have interpreted the establishment clause as bringing about the separation of church and state. Lately, under the Bush administration, church and state had more affinity with each other, to gain political power.

The Free Exercise Clause prohibits the government from interfering with a person's practice of his or her religion.

Freedom of religion is an inalienable right.

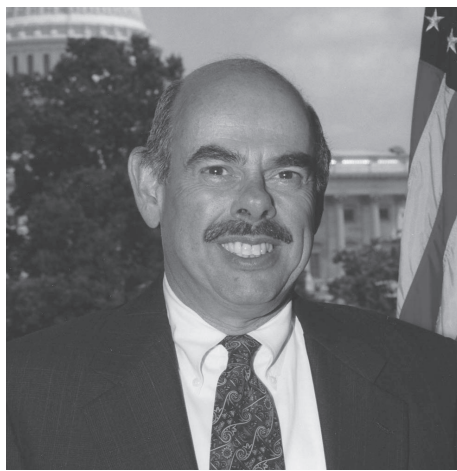
as it could cause harm to ourselves and other innocent persons. In a classroom, personal freedom to act randomly would be disastrous. It would interfere with the teaching and the rights of other students who are trying to pay attention.

When we attend conferences, lectures or Sunday church services, we, as a general rule, are required to demonstrate some decorum, poise and composure, to avoid chaos and not to infringe upon the personal freedom of others who would like to enjoy and benefit from such events. In every situation, personal choice should not interfere with the personal freedom of others.

The idea of free will is a very complex subject in relation to God's sovereignty, and trying to change the free will of an individual by offering prayers and asking God to intervene. Here, I do not mean that prayers are unnecessary when done in the spirit of bringing hope, relief and spiritual uplift.

Many theologians and philosophers have written extensively on this subject, especially, in Abrahamic religions. Almost all religions have theology about free will. There is no time here to discuss the ideas on free will of Calvinism, Arminius, the Roman Catholic Church, Lutheranism, Islam, Judaism, and Hinduism.

However, one point I would like to emphasize here is that free will, as proclaimed by some Christian theologians, is only good for civil matters but not spiritual matters, especially when it comes to salvation, regardless of one's righteous living, which requires God's grace.



## Congressman Waxman signs on to Nowruz Resolution

February 22, 2010, Washington, D.C. – Following a meeting with PAAIA on February 17, 2010 in Los Angeles, we are very pleased to report that Congressman Henry Waxman has announced his decision to cosponsor the Nowruz resolution (H.Res. 267). The resolution recognizes the cultural and historical significance of the Persian New Year and expresses appreciation to Iranian Americans for their contributions to U.S. society.

Congressman Waxman took time from his busy schedule to meet with Mahasti Afshar, PAAIA's new executive director, Sharon Baradaran, board member, Nina Beizai, staff member, Dr. Shoreh Ershadi, a PAAIA Chapter leader, and Hormoz Saleh, a founding director of PAAIA. The purpose of the meeting was to introduce Congressman Waxman to PAAIA/LA, share with him issues of interest to the Iranian American community, and ask him to consider signing the Nowruz Resolution and supporting PAAIA's congressional internship program. Waxman, who had visited Iran in 1975, expressed genuine interest in the Iranian American community and appreciation for their contributions to American society.

"Here in the United States, Nowruz serves to remind us of the many noteworthy and lasting contributions of Iranian Americans to the social and economic fabric of American society," said Congressman Waxman. "I am pleased to cosponsor H.Res. 267 and join Iranian Americans in my congressional district and others around the country and around the world in honoring this special occasion."

Introduced by Congressman Honda on March 19, 2009, H.Res.267 was recently marked-up by the House Committee on Oversight and Government Reform and is ready to be presented and voted on in the House of Representatives. If passed, it would be the first time that the U.S. Congress has

officially recognized the Persian New Year.

PAAIA had earlier urged the introduction of the Nowruz resolution as a part of its broader efforts to foster greater understanding of Iranian culture and heritage and project an accurate image of the community that reflects our values and achievements. PAAIA is grateful to Congressman Waxman for agreeing to sign the Nowruz resolution on the eve of spring and a time of renewal, and looks forward to increased interaction between the Congressman and his Iranian American constituency.



## Iranian Americans Rally Behind Shiva Farivar

February 10, 2010, Irvine, CA - Nearly fifty guests were in attendance at a private reception on February 2, 2010 in support of Shiva Farivar's candidacy for Irvine City Council. The event, which was held at the Caspian Restaurant, provided an opportunity for guests to meet with Farivar and learn about her bid to become the first Iranian American elected to public office in the City of Irvine.

The evening began with a brief introduction and welcoming remarks by two-time mayor and current City of Irvine Councilmember Beth Krom, who praised Farivar's commitment to serving the best interests of all Irvine citizens.

Farivar has been a resident of Irvine for the past 15 years. She entered public service in 2005 when she became the executive assistant to the Mayor of Irvine, serving mainly as the community liaison to educational institutions. In 2007, she was appointed to serve on the Irvine Community Services Commission. Farivar currently serves as the Chair of the commission.

In her speech, Farivar touched upon her ex-

periences and accomplishments. Through her work with the City of Irvine, Farivar has gained valuable insight into local government and what it takes to build, support, and sustain community resources in a diverse and growing city. Her decision to run for City Council reflects her interest in ensuring a bright future for the City of Irvine.

In addition, Farivar went on to explain how much Iranian American support means to her campaign. She thanked IAPAC, the connected political action committee (PAC) of PAAIA, for its support and role in encouraging Iranian Americans to support her campaign.

Other dignitaries at the event, among them Irvine Mayor Sukhee Kang, Councilmember Larry Agran, and Community Services Commissioner Mariam Khosravani, also took the podium and expressed their enthusiasm and full support for Farivar's candidacy.

The reception, which marked one of Farivar's most successful fundraising events to date, was hosted by Fardad Fateri, Mariam Khosravani, Jason Jazayeri, Jay Hedjazi, and Lili Laghai.

## Yasmin Siraj Takes the Silver at the 2010 U.S. Figure Skating Championships

January 27, 2010, Washington, D.C. - Thirteen year old Iranian American Yasmin Siraj took home the silver medal for junior ladies at the 2010 Figure Skating Championships in Washington. In her performance, Siraj captivated the audience with her beautiful performance to Rimsky-Korsakov's Song of India. Siraj is a full time student who practices during her lunch break and is also a competitive pianist.



Meet Mehrbanou Goodarz, aka Mima -- the first professional Zoroastrian vocalist.

Earlier this year, Mehrbanou Goodarz performed with the Meehan Ensemble at the California Zoroastrian Center. I attended the concert and enjoyed the music. I also met and interviewed Mima. She is an Eastern-looking young woman with an amazing voice. When she started to sing, the audience was mesmerized by the beauty of her voice.

This is my interview with Mima.

She first told me about her art

rimi. After his passing, she continued her vocal education with Karimi's protégé, Ms Afsaneh Rasaii. Despite the difficult situation in Iran (the war between Iran and Iraq), she never missed any of her lessons.

At a very young age, Mima started playing the piano. She had some performances at the Zoroastrian Youth Center in Tehran. She then started to learn the santour, or hammered dulcimer.

When she immigrated to the U.S. she chose music as her major. After a year of studying music, however, she decided to

**M**ima explained how they use different poems from older poets such as Hafez, Rumi and Khayyam, or younger poets like Sayeh, Moshiri, and Kadkani. Sometimes they use their own poems as well.

She also described the style of the group and how it has been influenced. Although the group plays traditional music, with three of the band members studying Western music, their traditional style has been slowly evolving.

The main purpose of the group

of Kerman. Her sister Vesta Goodarz is a professional photographer and make-up artist who works for PBS television channels in New York City.

Mima is married to Khashyiar Mazdeh and they have two sons, Kaveh and Cyrus, who are six and three years old. Mima says that without the understanding and support of her husband, her success in music would not have been possible.

When I asked her how she is able to balance her responsibilities as a mother with her love of music in her day-to-day life, she told me it hasn't been easy, but with the support of friends and family, she has been able to follow her dream.

Mima recommends that we do not ignore our dreams. If we respect our own talents and dreams, others will respect them and no one can ever take them away. She adds that she would love to see more professional Zoroastrians in the field of art and music. It is important that we value these fields of study and encourage our children to figure out what they are passionate about and pursue their dreams.

As a final question, I asked her about her future plans and concerts. She told me that after every concert, the group tries to plan for their next. Also, she is now working with Emad Bonakdar, a flamenco guitar player, to create her first album that will be a fusion of Flamenco music and traditional Persian music. She hopes to attract a larger audience of people who appreciate this beautiful music.

We wish Mima success in her endeavors.

# Bringing a dream to life

**By Roya Waltman**

of music, and the history of her work in this area. Mima's interest in music started at the very young age of four. That's when she started singing pop songs, and she credits her mom with encouraging her throughout her life to continue pursuing music.

Mehrbanou chose to use the nickname Mima because her sister Vesta could not pronounce her name. Mima was as an easier name for her sister to use.

When Mima first started singing, she had an interest in pop music. When her sister Vesta left Iran to continue her education in the U.S. however, she left a cassette from Master Shajarian for Mima to listen to. Mima fell in love with the beauty and quality of this Persian traditional music.

At the age of 15, she started taking vocal classes and radifs at Fravahar Youth Center in Tehran with Master Mahomood Ka-

change her major to engineering. In 1995, she graduated from Long Beach State University with a degree in engineering, and moved to the Bay Area to work as a manufacturing engineer. During the course of her education, she still kept music as a hobby and worked with the musician Oshagh. They had a few performances in Los Angeles and New York City.

**A**fter moving to San Jose, Mima met Master Mahmood Zoufounoun. She started learning some of the old tasnifs and sharpened her skills. She then met some of the Meehan Ensemble, including Faraz Minuei (santour player and composer), Naser Sheikhzadegan (oud player and composer), Shahin and Nasim Gorgani (percussion), and Behfar Bahadoran (tar player and composer). This is how the Meehan Ensemble started to form. They have had a few performances at different locations so far.



is to introduce the audience to the beauty of Persian traditional music and to support the younger performers who are talented and serious about this type of music. They like to encourage and support the younger generation to perform in their group and show their talents to others.

Mima's father is Goodarz Goodarz, the son of Shah-Jahan Goodarz, one of the founders of Goodarz Hospital in the city of Yazd. Her mother is Mahvash Sorooshian, daughter of Jamshid Sorooshian, a historian and a well-known writer in the city



cover story

page 4

-Bringing a dream to life

News Section

page 5

-Congressman Waxman signs on to Nowruz Resolution  
 -Iranian Americans Rally Behind  
 -Yasmin Siraj Takes the Silver at the 2010 U.S. Figure Skating Championships

Gathas

page 6

-The Idea of Freedom of Choice in The Gathas

Youth Cafe

page 7

-No-rooz, The Zarathushtrian New Year

Literature

page 8

-Persian history in verses

Humanity & Culture

page 9

-Sadeh Celebration in Iran  
 -Sixty-fourth General Assembly Plenary  
 71st Meeting (PM)

Humanity

page 10

-The Power of Choice  
 -Charity Spotlight  
 -Quotes

General

page 11

-NBA Star Hamed Haddadi Celebrates "Iranian Heritage Night" Across the Nation  
 -Farangis Kaikhosrow Shahrokh

page 12

-Ten health habits that will help you live to 100

page 13

-Iranian American scholar Lotfi Zadeh Wins 2009 Benjamin Franklin Medal  
 -The Smithsonian Presents: "Nowruz! A Persian New Year Celebration"

page 14

Esfandgan Festival, Avestan Womenhood

# Editor's note

by: Nasrin

Nowruz is a cherished, yet ancient, custom of the Zoroastrian people that is widely celebrated around the globe today. No doubt, celebrating Nowruz in a host country such as the U.S. is never as colorful of an event as it is when it is celebrated in its country of origin, Iran. Here, Nowruz competes with the numerous other meaningful customs that attract young people of all ethnicities. This creates a challenging situation for Zoroastrian parents as they attempt to keep their customs alive in their children.

The survival of Nowruz in a foreign land depends on the religious and cultural education of the upcoming generation. This education inevitably becomes the responsibility of the immigrant generation, the primary guardians of our Zoroastrian youth. The impact from our religious and cultural centers is limited. This education must also be gained in the home, and valuable lessons must be taught on a more personal level by parental figures. It is the duty of the parents to provide a source of religious knowledge that coincides with the teachings gained through such culturally based centers. To best keep our customs alive, we should also celebrate Nowruz as abundantly as we can. Show your children the significance behind our traditions and how much they mean to you. Let them join in on setting up the haft-seen and have them play a role in the celebratory events.

We live in a powerful society and a powerful society is in need of a powerful culture. We must do our best to educate and guide our children so that they, too, can keep the Zoroastrian fire powerfully burning in the United States.

California Zoroastrian Center  
 Zoroastrian Journal  
 Chase Bank  
 Account #421-334675-6

SPECIAL THANKS TO OUR SPONSORS

DR. DARIUSH JAHANIAN

TRUST OF ARBAB ROSTAM GUIV

ZARATHUSHTRIAN ASSEMBLY

FOR THEIR GENEROUS DONATIONS



## The Zoroastrian Journal

No.15

Publish: Quarterly  
Spring 2010

Topics:  
Religions, Culture, Social, Science,  
History, News...

### Senior Editors

Mobed Bahram Deboo  
Shahrooz Ash

### Assistant Editor

Roya Waltman

### Authors/Writers

Dr. Niaz Kasravi  
Mobed Bahram Deboo  
Dr. Ali Akbar Jafarey  
Farzin Saleh  
Dr. Ali Akbar Darein  
Roya Waltman

### Director and Publisher:

California Zoroastrian Center  
A Non Profit Organization

### Type and Design:

Roxana Kavosi

### Cover photo:

Photo by Ardeshir baghkhani

### Printed By:

LA Web Press

**Email:** [info@CZCJournal.org](mailto:info@CZCJournal.org)

**Tel:** 714 -893 -4737

**Fax:** 714 -894 -9577

[www.CZCJOURNAL.ORG](http://www.CZCJOURNAL.ORG)



## CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE  
WESTMINSTER, CA 92683  
U.S.A.

**(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577**

[www.czc.org](http://www.czc.org)

*Email: [info@czc.org](mailto:info@czc.org)*

---

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.  
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.  
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.' - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

GOOD THOUGHTS



# The **ZOROASTRIAN** Journal

Issue 15

Spring 2010/ 3748 Zoroastrian Calendar

## **cover story:**

**Bringing a dream to life**

## **Other Topics:**

**The Idea of Freedom of Choice in The Gathas**

**Congressman Waxman signs on to Nowruz Resolution**

**Persian history in verses**

**Sadeh Celebration in Iran**

*Photo By : Ardeshir*